Archive of SID

مجلهٔ حقوقی بین‌المللی/ شمارهٔ ۶۴/ بهار ـ تابستان ۱۴۰۰/ صفحات ۲۱۴ ـ ۱۸۱

دامنهٔ شمول آیین‌های اجباری حل اختلاف کنوانسیون حقوق دریاها در پرتو آرای قضایی و داوری

ساسان صیرفی *

شناسهٔ دیجیتال اسناد (DOI) : 10.22066/cilamag.2021.135620.1966

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۰۸

چکیده

سازِکار حل اختلاف کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد در خصوص حقوق دریاها بر چهار آیین قضایی و داوری بنا نهاده شده است؛ بدین گونه که دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان بین‌المللی حقوق دریاها و دادگاه‌های داوری موضوع ضمیمه‌های هفتم و هشتم کنوانسیون به‌طور موازی واجد صلاحیت اجباری رسیدگی به اختلافات ناشی تفسیر یا اجرای کنوانسیون هستند. با این وصف، دامنهٔ شمول آیین‌های اجباری بنابر مواد ۲۹۷ و ۲۹۸ کنوانسیون محدود شده است. از یک سو ماده ۲۹۷ پاره‌ای از اختلافات را از حوزهٔ شمول آیین‌های اجباری خارج می‌کند و از سوی دیگر طبق ماده ۲۹۸ هر کشور متعاهد مجاز است انواع مشخصی از اختلافات را از شمول آیین‌های اجباری مستثنا کند. ساختار پیچیده و واژه‌پردازی مبهم این دو ماده، راه را بر بحث‌ها و تردیدهای گوناگون دربارهٔ حیطهٔ شمول آیین‌های اجباری گشوده است. همچنین دربارهٔ شمول آیین‌های اجباری کنوانسیون حقوق دریاها بر اختلافات سرزمینی ابهامی اساسی وجود دارد. این همه سبب شده است که مراجع قضایی و داوری برای احراز صلاحیت خود دربارهٔ اختلافات ناشی از کنوانسیون حقوق دریاها به تبیین و تفسیر دامنهٔ شمول آیین‌های اجباری حل اختلاف آن بپردازند. این نوشتار بر آن است که با توجه آرای قضایی و داوری، دامنهٔ شمول آیین‌های اجباری حل اختلاف کنوانسیون حقوق دریاها را بررسی کند.

واژگان کلیدی

کنوانسیون حقوق دریاها، آیین‌های اجباری حل اختلاف، دیوان بین‌المللی حقوق دریاها، داوری ضمیمهٔ هفتم، استثنائات اختیاری، اختلافات سرزمینی، صلاحیت

* استادیار دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران sasanseyrafi@ut.ac.ir

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

از ویژگی‌های اصلی کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد در خصوص حقوق دریاها (از این پس «کنوانسیون حقوق دریاها» یا «کنوانسیون») سازِکار حل اختلاف منحصربه‌فرد این کنوانسیون است که در قسمت پانزدهم آن تدوین شده است.[۱] به تفصیلی که خواهد آمد، در بخش ۲ قسمت پانزدهم کنوانسیون حقوق دریاها چهار آیین قضایی و داوری مختلف برای حل اختلافات ناشی تفسیر یا اجرای کنوانسیون پیش‌بینی شده که عبارت‌اند از: دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان بین‌المللی حقوق دریاها، داوری طبق ضمیمهٔ هفتم کنوانسیون و داوری ویژه طبق ضمیمهٔ هشتم کنوانسیون. چنانچه بین دو یا چند کشور متعاهد دربارهٔ تفسیر یا اجرای کنوانسیون اختلافی ایجاد شود که طبق مقررات بخش ۱ قسمت پانزدهم حل نشود، هر طرف اختلاف می‌تواند به‌طور یک‌جانبه در مرجع قضایی یا داوری صالح طبق بخش ۲ قسمت پانزدهم اقامهٔ دعوا کند. در این مرحله، مراجع قضایی و داوری بخش ۲ قسمت پانزدهم واجد صلاحیت اجباری بوده و تصمیم آن‌ها برای اصحاب دعوا الزام‌آور خواهد بود.

با این همه، دامنهٔ شمول آیین‌های اجباری بخش ۲ قسمت پانزدهم به‌موجب بخش ۳ این قسمت ـ مشخصاً مواد ۲۹۷ و ۲۹۸ کنوانسیون ـ محدود شده است. درحالی‌که ماده ۲۹۷ پاره‌ای از اختلافات مربوط به منطقهٔ انحصاری اقتصادی را از حوزهٔ شمول آیین‌های اجباری بخش ۲ خارج می‌کند، بنابر ماده ۲۹۸ هر کشور متعاهد مجاز است به اختیار خود، انواع مشخصی از اختلافات مربوط به اموری همچون تحدید حدود دریایی، فعالیت‌های نظامی و انتظامی را از شمول آیین‌های اجباری بخش ۲ مستثنا کند. مسئله اینجاست که ساختار پیچیده و واژه‌پردازی مغلق و مبهم مواد ۲۹۷ و ۲۹۸ کنوانسیون، راه را بر بحث‌ها و تردیدهای گوناگون دربارهٔ حیطهٔ شمول آیین‌های اجباری بخش ۲ گشوده است. از سوی دیگر دربارهٔ شمول صلاحیت موضوعی مراجع قضایی و داوری بخش ۲ قسمت پانزدهم نسبت به اختلافات سرزمینی هم‌پیوند با کنوانسیون حقوق دریاها ابهامی اساسی وجود دارد.

در همین حال گرایش روزافزون کشورهای عضو کنوانسیون حقوق دریاها به استفاده از آیین‌های اجباری حل اختلاف، این فرصت را برای مراجع قضایی و داوری موضوع بخش ۲ قسمت پانزدهم فراهم ساخته تا به تفسیر مواد این قسمت از کنوانسیون دست یازند، چه در موارد

۱. قسمت یازدهم کنوانسیون حقوق دریاها راجع به منطقهٔ بستر بین‌المللی دریاها، سازِکار حل اختلاف ویژهٔ خود را دارد که در بخش ۵ این قسمت مقرر شده است. برای توضیح بیشتر، ن.ک: سیدباقر میرعباسی و سیدحسین سادات میدانی؛ *دادرسی‌های بین‌المللی: دیوان بین‌المللی دادگستری در تئوری و عمل*، جنگل، ۱۳۸۴، جلد ۱، صص ۲۲۸-۲۲۱.

www.SID.ir

Archive of SID

متعدد، خواندگان دعاوی مطروحه نزد مراجع مذکور، صلاحیت این مراجع را به چالش کشیده و آن‌ها را به بیان نظر دربارهٔ مواد یادشده واداشته‌اند.[۲] افزون بر این باید به دستورهای موقت دیوان بین‌المللی حقوق دریاها به نیابت از دادگاه‌های داوری ضمیمهٔ هفتم اشاره کرد که طبق بند ۵ ماده ۲۹۰ کنوانسیون حقوق دریاها صادر می‌شوند و در مقام احراز «صلاحیت ظاهری»[۳] دیوان داوری که بعداً تشکیل خواهد شد،[۴] به محملی برای اظهارنظر قضایی دربارهٔ دامنهٔ شمول آیین‌های اجباری مبدل شده‌اند.

بی‌گمان شناخت دقیق دامنهٔ شمول آیین‌های اجباری حل اختلاف کنوانسیون حقوق دریاها ضرورتی است که نباید نادیده انگاشت. از علل اصلی اینکه ایران چهار دهه پس از امضای کنوانسیون حقوق دریاها همچنان از تصویب این معاهده خودداری می‌کند، وجود نگرانی در مورد پیامدهای التزام به آیین‌های اجباری حل اختلاف این کنوانسیون است. طبعاً بررسی مقررات آیین‌های اجباری حل اختلاف در پرتو آرای قضایی و داوری که در سال‌های بعد از اجرایی‌شدن کنوانسیون حقوق دریا صادر شده‌اند، دربارهٔ ادامهٔ سیاست گذشته یا تصویب کنوانسیون روشنگر خواهد بود. در این میان به‌ویژه بحث شمول آیین‌های اجباری نسبت به اختلافات سرزمینی از دیدگاه ایران اهمیت فراوانی دارد، چه این دغدغه همواره وجود داشته و دارد که در صورت عضویت ایران و امارات متحدهٔ عربی در کنوانسیون حقوق دریاها، امکان طرح دعوا علیه ایران در خصوص جزایر سه‌گانهٔ ابوموسی و تنب‌های بزرگ و کوچک برای امارات فراهم شود. گذشته از این‌ها باید در نظر داشت که از زمان لازم‌الاجراشدن کنوانسیون حقوق دریاها، معاهدات متعدد دریایی، حل اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای خود را به سازِکار حل اختلاف کنوانسیون حقوق دریاها احاله داده‌اند.[۵] در میان این معاهدات، ایران در موافقت‌نامهٔ ۱۹۹۵ مربوط به اجرای مفاد کنوانسیون ملل متحد در خصوص حقوق دریاها راجع به حفظ و مدیریت ذخایر ماهیان مهاجر و دوکاشانه‌ای[۶] (از این پس «موافقت‌نامهٔ ذخایر ماهیان مهاجر و دوکاشانه‌ای»)، کنوانسیون ۲۰۰۱

---

۲. اظهارنظر مراجع قضایی و داوری در مورد مقررات قسمت پانزدهم کنوانسیون حقوق دریاها غالباً در مقام رسیدگی به ایرادات مقدماتی خواندهٔ دعوا به صلاحیت این مراجع انجام شده است که در موارد تفکیک دعوا، به صدور آرای صلاحیتی منجر می‌شوند.

3. *Prima facie* jurisdiction

۴. برای توضیح بیشتر، ن.ک:

Klein, Natalie, *Dispute Settlement in the UN Convention on the Law of the Sea*, Cambridge University Press, 2004, pp. 59-62.

۵. برای توضیح بیشتر، ن.ک: لویی بی سون و دیگران؛ *حقوق بین‌الملل دریاها*، ترجمه: محمد حبیبی مجنده، جنگل، ۱۳۹۵، صص ۳۶۷-۳۶۶.

۶. ن.ک: قانون موافقت‌نامهٔ مربوط به اجرای مفاد کنوانسیون سازمان ملل متحد در زمینهٔ حقوق دریاها راجع به حفظ و مدیریت ذخایر ماهیان مهاجر و دوکاشانه‌ای، *مجموعه قوانین روزنامهٔ رسمی کشور*، سال ۱۳۷۶، صص ۶۷۶-۶۴۱.

www.SID.ir

Archive of SID

حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب[۷] (از این پس «کنوانسیون میراث فرهنگی زیرآب») و کنوانسیون ۲۰۰۷ نایروبی در خصوص انتقال لاشهٔ کشتی‌ها[۸] (از این پس «کنوانسیون لاشهٔ کشتی‌ها») عضویت دارد.

این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش است که با توجه به آرای مراجع قضایی و داوری دربارهٔ قسمت پانزدهم کنوانسیون حقوق دریاها، دامنهٔ شمول آیین‌های اجباری حل اختلاف این کنوانسیون چیست؟ برای پاسخ به این پرسش، مطالب مقاله در چهار بخش ارائه خواهد شد. بخش نخست به بررسی اجمالی سازِکار حل اختلاف کنوانسیون حقوق دریاها، بخش دوم به محدودیت آیین‌های اجباری طبق ماده ۲۹۷ کنوانسیون، بخش سوم به استثناهای اختیاری موضوع ماده ۲۹۸ و بخش چهارم به مسئلهٔ شمول آیین‌های اجباری حل اختلاف کنوانسیون بر اختلافات سرزمینی اختصاص خواهد یافت.

۱. سازِکار حل اختلاف کنوانسیون حقوق دریاها

چنان‌که قبلاً ذکر شد، سازِکار حل اختلاف کنوانسیون حقوق دریاها در قسمت پانزدهم این کنوانسیون تدوین شده است. این قسمت شامل ۲۱ ماده است که در سه بخش تنظیم شده‌اند. بخش ۱ ذیل عنوان «مقررات کلی»[۹] و بخش ۲ ذیل عنوان «آیین‌های اجباری منجر به تصمیمات الزام‌آور»[۱۰] بر فرایندی دومرحله‌ای دلالت دارند که در مرحلهٔ نخست، شیوهٔ حل اختلاف را در اختیار طرف‌های اختلاف قرار داده و در مرحلهٔ دوم امکان توسل یک‌جانبه به آیین‌های اجباری را فراهم می‌سازد. بخش ۳ ذیل عنوان «محدودیت‌ها و استثناهای اختیاری بر قابلیت اعمال بخش ۲»،[۱۱] دامنهٔ شمول این آیین‌های اجباری را محدود می‌کند.

۱ـ۱. سازِکار دومرحله‌ای: آیین‌های اختیاری و اجباری

در ماده ۲۷۹ کنوانسیون حقوق دریاها که در صدر بخش ۱ قسمت پانزدهم آن قرار دارد آمده است: «کشورهای متعاهد باید هرگونه اختلاف بین خود دربارهٔ تفسیر یا اجرای این کنوانسیون را طبق بند ۳ ماده ۲ منشور ملل متحد به روش‌های مسالمت‌آمیز حل کنند و برای این منظور،

۷. ن.ک: قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب، *مجموعه قوانین روزنامهٔ رسمی کشور*، سال ۱۳۸۷، صص ۹۴۷-۹۲۷.

۸. ن.ک: قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی نایروبی دربارهٔ انتقال لاشهٔ کشتی‌ها، *مجموعه قوانین روزنامهٔ رسمی کشور*، سال ۱۳۸۹، صص ۱۶۷-۱۵۰.

9. General Provisions

10. Compulsory Procedures Entailing Binding Decisions

11. Limitations and Exceptions to Applicability of Section 2

www.SID.ir

Archive of SID

روشی از میان روش‌های مذکور در بند ۱ ماده ۳۳ منشور را جستجو خواهند کرد». در ماده ۲۸۰ کنوانسیون آمده است: «هیچ‌یک از مقررات این قسمت به حق کشورهای متعاهد بر اینکه در هر زمان برای حل اختلاف دربارهٔ تفسیر یا اجرای این کنوانسیون از طریق روش‌های مسالمت‌آمیز به انتخاب خود توافق نمایند، لطمه‌ای وارد نمی‌کند» بدین ترتیب، کشورهای عضو کنوانسیون حقوق دریاها مکلف‌اند برای رفع اختلافات خود دربارهٔ تفسیر یا اجرای این کنوانسیون به روش‌های سیاسی (مذاکره، پایمردی، میانجی‌گری، تحقیق، سازش و ...) یا حقوقی (داوری و رسیدگی قضایی) موضوع ماده ۳۳ منشور ملل متحد متوسل شوند اما در عین حال، مجازند که هر شیوه‌ای را که خواستند برای این منظور انتخاب کنند. به همین لحاظ مرحلهٔ نخست سازِکار حل اختلاف کنوانسیون حقوق دریاها را مرحلهٔ «آیین‌های اختیاری»[۱۲] نامیده‌اند زیرا در این مرحله، روش حل اختلاف به اختیار طرف‌های اختلاف تعیین می‌شود. اما در صورتی که در مورد شیوهٔ حل اختلاف توافق حاصل نشود یا شیوهٔ مورد توافق به نتیجه نرسد، نوبت به مرحلهٔ دوم این سازِکار می‌رسد که توسل یک‌جانبه به «آیین‌های اجباری»[۱۳] بخش ۲ است. در این خصوص در ماده ۲۸۶ کنوانسیون ـ که در صدر بخش ۲ قسمت پانزدهم قرار دارد ـ آمده است: «با رعایت بخش ۳، هر اختلاف راجع به تفسیر یا اجرای این کنوانسیون در صورتی که با توسل به بخش ۱ حل نشده باشد، بنا به درخواست هرکدام از طرف‌های اختلاف به دادگاه یا دیوانی که طبق این بخش صلاحیت دارد ارجاع خواهد شد». در واقع، آیین‌های اجباری بخش ۲ مکمل آیین‌های اختیاری بخش ۱ هستند.[۱۴]

۱ـ۲. تعیین مرجع صالح: فرمول مونترو

چنان‌که قبلاً اشاره شد، کنوانسیون حقوق دریاها چهار آیین قضایی و داوری مختلف را برای حل اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای این کنوانسیون پیش‌بینی کرده است. این رویکرد ویژه که به «فرمول مونترو»[۱۵] معروف است در ماده ۲۸۷ کنوانسیون انعکاس یافته است. در بند ۱ این ماده مقرر شده است:

«هر کشور در هنگام امضا، تصویب یا الحاق به این کنوانسیون یا در هر زمان پس از آن آزاد خواهد بود با صدور اعلامیهٔ کتبی، یک یا چند مورد از شیوه‌های زیر را برای حل اختلافات دربارهٔ

12. Non-compulsory/voluntary procedures

13. Compulsory procedures

۱۴. برای توضیح بیشتر، ن.ک:

Tanaka, Yoshifumi, *The International Law of the Sea*, 3rd ed., Cambridge University Press, 2019, pp. 494-7.

15. Montreux formula

www.SID.ir

Archive of SID

تفسیر یا اجرای کنوانسیون انتخاب کند:

الف) دیوان بین‌المللی حقوق دریاها که طبق ضمیمهٔ ششم تأسیس می‌شود؛

ب) دیوان بین‌المللی دادگستری؛

ج) دیوان داوری که طبق ضمیمهٔ هفتم تشکیل می‌شود؛

د) دیوان داوری ویژه که طبق ضمیمهٔ هشتم برای یک یا چند نوع از اختلافات تعیین‌شده در آن ضمیمه تشکیل می‌شود».

چنانچه طرف‌های یک اختلاف در اعلامیهٔ خود، آیین یکسانی را پذیرفته باشند، طبق بند ۴ ماده ۲۸۷: «آن اختلاف را تنها به همان آیین می‌توان ارجاع داد مگر آنکه طرفین به نحو دیگری توافق نمایند» و چنانچه طرف‌های یک اختلاف، آیین یکسانی را نپذیرفته باشند، آن اختلاف را تنها می‌توان به داوری طبق ضمیمهٔ هفتم ارجاع داد مگر آنکه طرفین به نحو دیگری توافق نمایند». چنانچه یک کشور متعاهد اعلامیهٔ موضوع بند ۱ ماده ۲۸۷ را صادر نکرده باشد، طبق بند ۳ «فرض بر آن خواهد بود که آن کشور، داوری طبق ضمیمهٔ هفتم را پذیرفته است».[۱۶]

بدین ترتیب، چهار مرجع به‌طور موازی واجد صلاحیت رسیدگی به اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای کنوانسیون حقوق دریاها هستند. این مراجع عبارت‌اند از: دیوان بین‌المللی دادگستری؛ دیوان بین‌المللی حقوق دریاها که طبق ضمیمهٔ ششم کنوانسیون به‌عنوان نهاد قضایی دائمی و اختصاصی تأسیس شده است؛[۱۷] دیوان داوری که طبق ضمیمهٔ هفتم کنوانسیون به‌طور موردی برای رسیدگی به اختلاف مشخص تشکیل می‌شود؛[۱۸] دیوان داوری ویژه که طبق ضمیمهٔ هشتم کنوانسیون به‌طور موردی برای رسیدگی به اختلاف مشخص در زمینهٔ شیلات، محیط‌زیست دریایی، تحقیقات علمی دریایی و کشتی‌رانی و با عضویت داوران کارشناس در زمینهٔ اختلاف تشکیل می‌شود.[۱۹] از میان مراجع فوق، مرجع صالح طبق قواعد مقرر در بندهای ۳ تا ۵ ماده ۲۸۷ تعیین می‌شود هرچند طرف‌های اختلاف می‌توانند با توافق، مرجع دیگری از این چهار مرجع را برای رسیدگی تعیین کنند.

۱۶. تا کنون از مجموع ۱۶۸ کشور عضو کنوانسیون حقوق دریاها، ۴۳ کشور اقدام به صدور اعلامیهٔ موضوع بند ۱ ماده ۲۸۷ کرده‌اند. بنابراین، طبق بند ۳ ماده ۲۸۷ فرض این است که اکثریت کشورهای عضو کنوانسیون، آیین داوری ضمیمهٔ هفتم کنوانسیون را پذیرفته‌اند. لازم به ذکر است که ایران در مورد کنوانسیون میراث فرهنگی زیر آب، روش داوری طبق ضمیمهٔ هفتم را پذیرفته است. ن.ک: قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب، *پیشین*، ص ۹۲۷.

۱۷. برای توضیح بیشتر دربارهٔ دیوان بین‌المللی حقوق دریاها، ن.ک: فرهاد طلایی؛ *حقوق بین‌الملل دریاها*، جنگل، ۱۳۹۶، صص ۲۲۱-۲۱۷.

۱۸. تا کنون ۱۵ دیوان داوری بر اساس ضمیمهٔ هفتم کنوانسیون حقوق دریاها تشکیل شده است.

۱۹. تا زمان نگارش مقالهٔ حاضر، هیچ اختلافی به داوری ویژهٔ موضوع ضمیمهٔ هشتم کنوانسیون حقوق دریاها ارجاع نشده است.

www.SID.ir

Archive of SID

۱ـ۳. صلاحیت اجباری مراجع قضایی و داوری قسمت پانزدهم

شکی نیست که کارایی سازِکار حل اختلاف کنوانسیون حقوق دریاها از صلاحیت اجباری مراجع قضایی و داوری بخش ۲ قسمت پانزدهم ناشی می‌شود. به حکم ماده ۲۸۶ کنوانسیون در صورت حصول شرایط مقرر در بخش ۱، هر طرف اختلاف می‌تواند در مرجع صالح طبق ماده ۲۷۸ اقامهٔ دعوا کند و به‌موجب بند ۱ ماده ۲۹۶ «هر تصمیمی که از سوی یک دادگاه یا دیوان واجد صلاحیت طبق این بخش اتخاذ شده باشد، قطعی بوده و همهٔ طرف‌های اختلاف آن را اجرا خواهند کرد». از سوی دیگر با لحاظ ماده ۳۰۹ کنوانسیون حقوق دریاها که مقرر می‌دارد: «هیچ شرط یا استثنایی بر این کنوانسیون پذیرفته نمی‌شود مگر به نحوی که در دیگر مواد این کنوانسیون صریحاً مجاز شده باشد»، کشورهای عضو کنوانسیون نمی‌توانند با اعلام شرط نسبت به قسمت پانزدهم کنوانسیون، در قبال صلاحیت اجباری مراجع قضایی و داوری موضوع بخش ۲ این قسمت، تحدید تعهد نمایند مگر در مواردی که به شرح آتی در ماده ۲۹۸ کنوانسیون مجاز شناخته شده است.

با این همه باید در نظر داشت که برخی از کشورهای عضو کنوانسیون در اعلامیهٔ موضوع ماده ۲۸۷ خود، شروط و قیودی را ذکر کرده‌اند که صلاحیت مرجع یا مراجع مورد انتخاب آن‌ها را محدود می‌کند. رویه‌قضایی اعتبار این‌گونه اعلامیه‌ها را تأیید کرده است. دیوان بین‌المللی حقوق دریاها در رأی خود در قضیهٔ ام/ وی لوئیزا در این باره چنین نظر داده است که: «کنوانسیون [حقوق دریاها] صدور اعلامیهٔ محدود به نوع مشخصی از اختلافات ... را منع نمی‌کند» و البته در این موارد، مرجع رسیدگی، برای تشخیص صلاحیت خود، محدودترین اعلامیهٔ طرف‌های دعوا را ملاک قرار می‌دهد.[۲۰] طبعاً چنانچه اعلامیهٔ موضوع ماده ۲۸۷ به نوع یا انواع مشخصی از اختلافات محدود شود، سایر اختلافات طبق قاعدهٔ تکمیلی بند ۳ مادهٔ یادشده، به آیین داوری ضمیمهٔ هفتم قابل ارجاع خواهند بود.

۱ـ۴. صلاحیت موضوعی و شخصی مراجع قضایی و داوری قسمت پانزدهم

به دلالت مواد مختلف قسمت پانزدهم کنوانسیون حقوق دریاها، سازِکار حل اختلاف این کنوانسیون ناظر به اختلافات دربارهٔ تفسیر و اجرای مقررات این کنوانسیون است. این معنا در بند ۱ ماده ۲۸۸ کنوانسیون بدین بیان مورد تأکید قرار گرفته است: «دیوان یا دادگاه مذکور در ماده ۲۸۷ نسبت به هر اختلاف دربارهٔ تفسیر یا اجرای این کنوانسیون که طبق این قسمت به آن ارجاع می‌شود صلاحیت خواهد داشت». بنابراین، صلاحیت موضوعی مراجع قضایی و داوری بخش ۲

20. *M/V "Louisa" (Saint Vincent and the Grenadines v. Kingdom of Spain)*, Judgment of 28 May 2013, ITLOS Reports 2013, p. 4, paras. 79-82.

www.SID.ir

Archive of SID

قسمت پانزدهم به دعاوی‌ای محدود می‌شود که موضوع آن‌ها نوعی اختلاف دربارهٔ ماده یا مواد مشخصی از کنوانسیون حقوق دریاها باشد.[۲۱] البته در بند ۲ مادهٔ مذکور نیز چنین آمده است: «دیوان یا دادگاه مذکور در ماده ۲۸۷ همچنین بر هر اختلاف دربارهٔ تفسیر یا اجرای یک توافق بین‌المللی که به اهداف این کنوانسیون مربوط می‌شود و طبق توافق مذکور به آن ارجاع می‌شود، صلاحیت خواهد داشت». طبعاً بند اخیر به معاهداتی همچون موافقت‌نامهٔ ذخایر ماهیان مهاجر و دوکاشانه‌ای، کنوانسیون میراث فرهنگی زیر آب و کنوانسیون لاشهٔ کشتی‌ها اشاره دارد که حل اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای خود را به سازِکار کنوانسیون حقوق دریاها احاله کرده‌اند.

نکتهٔ اساسی این است که مراجع قضایی و داوری بخش ۲ قسمت پانزدهم بنابر بند ۴ ماده ۲۸۸ واجد صلاحیت تشخیص صلاحیت خود هستند. در این راستا به نظر چنین می‌رسد که رویکرد کلی مراجع مذکور، توسعهٔ صلاحیت این مراجع است. این رویکرد به‌روشنی در رأی دیوان داوری قضیهٔ کشتی انریکا لکسی نمود یافته است. دیوان مذکور در مقام تفسیر بند ۱ ماده ۲۸۸ کنوانسیون چنین بیان نظر می‌کند که از صلاحیت رسیدگی به هر «مسئلهٔ فرعی که ضرورتاً از اجرای کنوانسیون [حقوق دریاها] ناشی می‌شود» برخوردار است.[۲۲] بر همین اساس بود که دیوان یادشده صلاحیت خود را برای رسیدگی به مسئلهٔ مصونیت قضایی ماهوی دو تکاور دریایی ایتالیایی احراز کرد.[۲۳] این در حالی است که به اذعان خود دیوان، مصونیت قضایی ماهوی مأمورین دولتی، موضوع هیچ‌کدام از مقررات کنوانسیون حقوق دریاها نبوده و اساساً ارتباطی به حقوق دریاها ندارد.[۲۴]

از حیث صلاحیت شخصی، مراجع قضایی و داوری بخش ۲ قسمت پانزدهم، بند ۱ ماده ۲۹۱ کنوانسیون در خصوص «دسترسی» به این مراجع مقرر می‌کند: «آیین‌های حل اختلاف مذکور در این بخش در دسترس کشورهای متعاهد [کنوانسیون حقوق دریاها] است». بنابراین، تنها

21. *Ibid*.., para. 99.

22. The "Enrica Lexie" Incident *(Italy v. India*), Award of 21 May 2020, paras. 809-11 available at: https://pcacases.com/web/sendAttach/16500

۲۳. این دیوان داوری طبق ضمیمهٔ هفتم کنوانسیون حقوق دریاها با اقامهٔ دعوای ایتالیا علیه هند و برای رسیدگی به اختلاف دو کشور دربارهٔ واقعهٔ کشتی نفتکش انریکا لکسی (Enrica Lexie) تشکیل شده بود. در این واقعه که در ۲۰۱۲ در منطقهٔ انحصاری اقتصادی هند رخ داده بود، دو تکاور دریایی ایتالیایی مستقر در کشتی ایتالیایی انریکا لکسی به تصور اینکه یک شناور صیادی هندی، کشتی دزد دریایی بوده و در صدد حمله به انریکا لکسی است، به آن تیراندازی کرده و دو نفر از خدمهٔ آن را کشته بودند. به دنبال این واقعه، دو تکاور دریایی ایتالیایی توسط پلیس هند دستگیر و به اتهام قتل عمد تحت تعقیب کیفری قرار گرفتند. دولت ایتالیا مدعی بود که بنابر مواد ۸۷، ۹۲ و ۹۷ کنوانسیون حقوق دریاها و به لحاظ اصل صلاحیت انحصاری کشور صاحب پرچم، رسیدگی به اتهام این دو تکاور دریایی در صلاحیت محاکم ایتالیا است و به‌علاوه، این دو نفر به لحاظ سمت دولتی خود و اینکه در مقام انجام وظایف رسمی بوده‌اند، از مصونیت ماهوی (immunity *ratione materiae*) در برابر تعقیب کیفری در محاکم خارجی برخوردارند. دیوان داوری نیز نهایتاً بر اساس استدلال دوم به نفع ایتالیا رأی داد. در این خصوص، ن.ک:
Ibid.., para. 1094, sec. B (1-3).

24. *Ibid*.., para. 809.

www.SID.ir

Archive of SID

کشورهایی که کنوانسیون حقوق دریاها را تصویب کرده یا بدان ملحق شده‌اند می‌توانند در مراجع مذکور اقامه دعوا کرده یا طرف دعوا واقع شوند. البته در همهٔ معاهداتی که حل اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای خود را به سازِکار کنوانسیون حقوق دریاها احاله کرده‌اند تصریح شده است که سازِکار مذکور بین کشورهای عضو این معاهدات، خواه عضو کنوانسیون حقوق دریاها باشند یا نباشند اعمال می‌شود.[۲۵]

۱ـ۵. پیش‌شرط‌های سه‌گانهٔ توسل به آیین‌های اجباری قسمت پانزدهم

گفته شد که سازِکار حل اختلاف کنوانسیون حقوق دریاها شامل دو مرحلهٔ آیین‌های اختیاری بخش ۱ و آیین‌های اجباری بخش ۲ قسمت پانزدهم کنوانسیون است. در این راستا در بخش ۱ قسمت پانزدهم، سه پیش‌شرط برای توسل به آیین‌های اجباری بخش ۲ پیش‌بینی شده که به‌ترتیب در مواد ۲۸۱ تا ۲۸۳ مقرر شده‌اند.[۲۶] در وهلهٔ نخست به‌موجب بند ۱ ماده ۲۸۱ کنوانسیون حقوق دریاها: «چنانچه کشورهای متعاهدی که طرف یک اختلاف مربوط به تفسیر یا اجرای این کنوانسیون هستند موافقت کرده باشند که اختلاف خود را به روش مسالمت‌آمیزی به انتخاب خود حل کنند، آیین‌های پیش‌بینی‌شده در این قسمت، تنها وقتی اعمال خواهد شد که توسل به این روش، منجر به حل اختلاف نشده باشد و توافق، توسل به روش‌های دیگر را منع نکرده باشد». بنابراین چنانچه طرف‌های اختلاف توافق کنند که روش مذاکره یا هر روش سیاسی دیگری را برای حل اختلاف خود به کار گیرند، تنها در صورتی مجاز به توسل به آیین‌های اجباری بخش ۲ هستند که اولاً کاربرد روش مورد توافق، منجر به حل اختلاف نشود و ثانیاً توافق طرفین، توسل به روش‌های دیگر را منع نکرده باشد. البته در مورد شرط اخیر، نظر دیوان داوری قضیهٔ دریای چین جنوبی این است که تنها در صورتی که توافق طرفین صریحاً توسل به روش‌های دیگر را منع کرده باشد، مانع از اعمال آیین‌های اجباری بخش ۲ خواهد شد.[۲۷] این نظر در مقابل تفسیر دیوان داوری قضیهٔ تن‌ماهیان بلوفین جنوبی از بند ۱ ماده ۲۸۱ قرار دارد که معتقد بودند نیازی نیست توافق موضوع ماده ۲۸۱ صریحاً توسل به آیین‌های اجباری بخش ۲ را منع کند بلکه صرف توافق بر استفاده از روش‌های دیگر بر این معنا دلالت

۲۵. برای نمونه، ن.ک: بند ۱ ماده ۳۰ موافقت‌نامهٔ ذخایر ماهیان مهاجر و دوکاشانه‌ای، بند ۳ ماده ۳۵ کنوانسیون میراث فرهنگی زیر آب، بند ۲ ماده ۱۵ کنوانسیون لاشهٔ کشتی‌ها.

26. *The South China Sea Arbitration (The Philippines v. The People's Republic of China)*, Jurisdiction and Admissibility, Award of 29 October 2015, paras. 189-92, available at: https://pcacases.com/web/sendAttach/2579; *Maritime Delimitation in the Indian Ocean (Somalia v. Kenya)*, Preliminary Objections, Judgment of 2 February 2017, I.C.J. Reports 2017, para. 125.

27. *The South China Sea Arbitration*, Jurisdiction and Admissibility, *op.cit.*, para. 223.

www.SID.ir

Archive of SID

دارد.[۲۸] اما به نظر می‌رسد که رویه‌قضایی به تفسیر محدود دیوان داوری دریای چین جنوبی گرایش دارد.[۲۹]

دوم اینکه بنابر ماده ۲۸۲ کنوانسیون: «چنانچه کشورهای متعاهدی که طرف یک اختلاف راجع به تفسیر یا اجرای این کنوانسیون هستند، به‌موجب توافق عام، منطقه‌ای یا دوجانبه، یا به طریقی دیگر موافقت کرده باشند که این اختلاف بنا به درخواست هرکدام از طرف‌های اختلاف به روشی حل شود که تصمیمات الزام‌آوری در پی داشته باشد، روش مذکور به‌جای آیین‌های پیش‌بینی‌شده در این قسمت اعمال خواهد شد مگر آنکه طرف‌های اختلاف به نحو دیگری توافق کنند». بنابراین هر نوع توافق بین طرف‌های یک اختلاف ناشی از تفسیر یا اجرای کنوانسیون که بر حل آن اختلاف به روش حقوقی، خارج از آیین‌های اجباری بخش ۲ قسمت پانزدهم دلالت دارد، مانع از اعمال آیین‌های مذکور می‌شود.[۳۰] افزون بر این، چنان‌که در رأی صلاحیتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیهٔ تحدید حدود دریایی در اقیانوس هند تأکید شده، قید «یا به طریقی دیگر» در ماده ۲۸۲ شامل مواردی نیز می‌شود که هر دو طرف اختلاف، اقدام به تودیع اعلامیهٔ بند اختیاری موضوع بند ۲ ماده ۳۶ اساسنامهٔ دیوان بین‌المللی دادگستری کرده باشند. در این فرض، صلاحیت اجباری دیوان مذکور بر آیین‌های اجباری موضوع بخش ۲ قسمت پانزدهم کنوانسیون مقدم است زیرا اعلامیه‌های بند اختیاری بر توافق ضمنی طرفین در این خصوص دلالت دارند.[۳۱]

سوم اینکه به‌موجب بند ۱ ماده ۲۸۳ کنوانسیون حقوق دریاها: «هرگاه اختلافی دربارهٔ تفسیر یا اجرای این کنوانسیون بین کشورهای متعاهد حادث شود، طرف‌های اختلاف باید سریعاً دربارهٔ حل آن اختلاف از طریق مذاکره یا دیگر روش‌های مسالمت‌آمیز، تبادل‌نظر کنند» بنابراین پیش‌شرط توسل به آیین‌های اجباری بخش ۲ قسمت پانزدهم این است که طرف‌های اختلاف، قبل از اقامهٔ دعوا با یکدیگر تبادل نظر کرده باشند.[۳۲] البته چنان‌که در رأی داوری قضیهٔ منطقهٔ دریایی حفاظت‌شدهٔ جزایر چاگوس تأکید شده، این تبادل نظر صرفاً در خصوص تعیین شیوهٔ حل

28. *Southern Bluefin Tuna (New Zealand v. Japan; Australia v. Japan)*, Jurisdiction and Admissibility, Award of 4 August 2000, Reports of International Arbitral Awards, vol. XXIII, p. 1, paras. 53-9.

۲۹. در این خصوص، ن.ک:

Southem Bluefin Tuna (New Zealand v. Japan; Australia v. Japan), Provisional Measures, Order of 27 August 1999, *ITLOS Reports 1999*, p.280, paras. 53-61*; Arbitration between Barbados and the Republic of Trinidad and Tobago (Barbados v. Trinidad and Tobago)*, Award of 11 April 2006, Reports of International Arbitral Awards, vol. XXVII., p. 147, para. 200 (ii).

30. *The South China Sea Arbitration*, Jurisdiction and Admissibility, *op.cit.*, para. 291.

31. *Maritime Delimitation in the Indian Ocean*, *op.cit.*, paras. 126-8.

32. *Southern Bluefin Tuna*, *op.cit.*, para. 55.

www.SID.ir

Archive of SID

اختلاف است نه محتوای اختلاف.[۳۳] در عین حال، رویه‌قضایی در مورد اعمال این شرط سخت‌گیری چندانی نکرده است بلکه صرف مکاتبهٔ طرف‌های اختلاف در این خصوص کافی دانسته شده است.[۳۴] حتی اگر یک طرف اختلاف به مکاتبهٔ طرف دیگر اختلاف در این خصوص پاسخ ندهد نیز شرط تبادل نظر برآورده تلقی می‌شود.[۳۵] افزون بر این، بنا به نظر مشهوری که دیوان بین‌المللی حقوق دریاها در دستور موقت قضیهٔ کارخانهٔ ماکس مطرح کرده، «چنان‌که یک طرف به این نتیجه برسد که همهٔ تلاش‌های ممکن برای رسیدن به توافق انجام شده است مکلف نیست به تبادل نظر ادامه بدهد».[۳۶] این معیار بارها توسط دیوان بین‌المللی حقوق دریاها و دادگاه‌های داوری ضمیمهٔ هفتم برای احراز تحقق شرط موضوع ماده ۲۸۳ اعمال شده است.

۲. اختلافات خارج از شمول بخش ۲ قسمت پانزدهم

چنان‌که در مقدمه اشاره شد، به‌موجب ماده ۲۹۷ کنوانسیون حقوق دریاها، پاره‌ای از اختلافات از شمول آیین‌های اجباری حل اختلاف بخش ۲ قسمت پانزدهم کنوانسیون خارج شده‌اند. این ماده در واقع برای تأمین نظر آن گروه از کشورهای حاضر در مذاکرات کنفرانس سوم حقوق دریاها پیش‌بینی شده است که نمی‌خواستند حقوق و صلاحیت نوپدید آن‌ها نسبت به منطقهٔ انحصاری اقتصادی، موضوع رسیدگی مراجع قضایی و داوری بین‌المللی قرار گیرد.[۳۷] ماده ۲۹۷ که ذیل عنوان «محدودیت‌ها بر قابلیت اعمال بخش ۲»[۳۸] در بخش ۳ قسمت پانزدهم کنوانسیون قرار گرفته، در سه بند تنظیم شده است.

۲ـ۱. شمول بخش ۲ قسمت پانزدهم بر اختلافات مربوط به منطقهٔ انحصاری اقتصادی

بنابر مقررات قسمت پنجم کنوانسیون حقوق دریاها، منطقهٔ انحصاری اقتصادی، منطقه‌ای به عرض ۲۰۰ مایل دریایی از خط مبدأ دریای سرزمینی است که به هر کشور ساحلی تعلق می‌گیرد. طبق ماده ۵۶ کنوانسیون، کشور ساحلی به منظور حفاظت، مدیریت، کاوش و

33. *Chagos Marine Protected Area (Mauritius v United Kingdom)*, Award of 18 March 2015, Reports of International Arbitral Awards, vol. XXXI, p. 359, para. 378; *The South China Sea Arbitration*, Jurisdiction and Admissibility, *op.cit.*, para. 333.

34. *The MOX Plant Case* (Ireland v. United Kingdom), Provisional Measures, Order of 3 December 2001, *ITLOS Reports 2001*, p. 95, paras. 54-62.

35. M/V "Norstar" (Panama v. Italy), Preliminary Objections, Judgment of 4 November 2016, *ITLOS Reports* 2016, p. 44, para. 215.

36. *The MOX Plant Case*, *op.cit.*, para. 60.

37. Klein, *op.cit.*, p. 140.

38. Limitations on applicability of section 2

www.SID.ir

Archive of SID

بهره‌برداری از منابع طبیعی زنده و غیرزندهٔ این منطقه از «حقوق حاکمه»[۳۹] برخوردار است. همچنین احداث و استفاده از جزایر مصنوعی، تأسیسات و سازه‌ها، تحقیقات علمی دریایی و حفاظت از محیط‌زیست دریایی این منطقه در«صلاحیت»[۴۰] کشور ساحلی است. از سوی دیگر طبق ماده ۵۸ کنوانسیون، دیگر کشورها از آزادی‌های اصلی دریای آزاد ـ یعنی آزادی دریانوردی، آزادی پرواز و آزادی نصب کابل و خط لوله ـ در منطقهٔ انحصاری اقتصادی برخوردارند.[۴۱] حال در بند ۱ ماده ۲۹۷ کنوانسیون چنین آمده است:

«اختلافات مربوط به تفسیر یا اجرای این کنوانسیون در خصوص اعمال حقوق حاکمه یا صلاحیت پیش‌بینی‌شده در این کنوانسیون توسط کشور ساحلی، در موارد زیر مشمول آیین‌های پیش‌بینی‌شده در بخش ۲ خواهد بود:

(الف) هرگاه ادعا شود که یک کشور ساحلی مرتکب اقدامی خلاف مقررات این کنوانسیون در خصوص حقوق و آزادی‌های دریانوردی، پرواز یا نصب کابل یا خط لولهٔ زیردریایی یا سایر استفاده‌های مشروع از دریاها به نحو مقرر در ماده ۵۸ شده است؛

(ب) هرگاه ادعا شود که یک کشور در اعمال حقوق، آزادی‌ها یا استفاده‌های پیش‌گفته مرتکب اقدامی خلاف این کنوانسیون یا خلاف قوانین و مقرراتی شده که کشور ساحلی مطابق این کنوانسیون و سایر قواعد حقوق بین‌الملل تصویب کرده است؛ یا

(ج) هرگاه ادعا شود که کشور ساحلی مرتکب اقدامی خلاف قواعد و ضوابط بین‌المللی در زمینهٔ حمایت و حفاظت از محیط‌زیست دریایی شده است که طبق این کنوانسیون یا از طریق سازمان بین‌المللی یا کنفرانس دیپلماتیک ذی‌صلاح وضع شده است».

ممکن است تصور شود که با لحاظ عنوان ماده ۲۹۷، بند فوق، ظهور در حصر دارد؛ بدین معنی که اختلافات مربوط به منطقهٔ انحصاری اقتصادی تنها در موارد ذکرشده در سه جزء ذیل این بند مشمول آیین‌های اجباری بخش ۲ قسمت پانزدهم بوده و در سایر موارد، خارج از شمول آیین‌های مزبور هستند. اما باید از این ظهور چشم پوشید. چنان‌که دیوان داوری منطقهٔ دریایی حفاظت‌شدهٔ جزایر چاگوس توضیح می‌دهد، از نظر تفسیر متن، بند ۱ ماده ۲۹۷ فاقد ادات حصر است و از نظر منطقی نیز اگر این بند مفید حصر تلقی شود، بندهای ۲ و ۳ ماده ۲۹۷ لغو خواهند بود چه این دو بند نیز اختلافاتی در خصوص حقوق حاکمه و صلاحیت کشور ساحلی در منطقهٔ انحصاری اقتصادی را از شمول بخش ۲ قسمت پانزدهم خارج می‌کنند.[۴۲] دیوان مذکور با بررسی

39. Sovereign rights

40. Jurisdiction

۴۱. برای توضیح بیشتر، ن.ک: طلایی؛ *همان*، صص ۱۳۸–۱۳۱؛ سون و دیگران؛ *همان*، صص ۲۲۱–۱۸۹؛ Tanaka, *op.cit.*, pp. 149-60.

42. *Chagos Marine Protected Area, op.cit.*, para. 308.

www.SID.ir

Archive of SID

تحولات بند ۱ ماده ۲۹۱ در جریان مذاکرات کنفرانس سوم حقوق دریاها نشان می‌دهد که هدف تدوین‌کنندگان بند یادشده این نبوده است که شمول آیین‌های اجباری بخش ۲، به موارد مذکور در این بند منحصر شود بلکه هدف این بوده است که اختلافات مذکور در این بند مشمول رسیدگی مقدماتی موضوع ماده ۲۹۴ کنوانسیون حقوق دریاها واقع شوند؛[۴۳] بدین تفصیل که در بند ۱ ماده ۲۹۴ کنوانسیون، ذیل عنوان «رسیدگی مقدماتی»[۴۴] آمده است: « دادگاه یا دیوان پیش‌بینی‌شده در ماده ۲۷۸ که دادخواستی در مورد یک اختلاف موضوع ماده ۲۹۷ به آن ارجاع شده، می‌تواند رأساً یا به تقاضای یک طرف دعوا تشخیص دهد که آیا دعوای طرح‌شده، سوءاستفاده از طُرق دادخواهی یا حسب ظاهر موجه است. چنانچه دادگاه یا دیوان احراز کند که دعوا در واقع سوءاستفاده از طرق دادخواهی بوده یا آنکه حسب ظاهر واهی است، هیچ اقدام دیگری در خصوص آن پرونده انجام نخواهد داد». بدین ترتیب، ثمرهٔ عملی بند ۱ ماده ۲۹۷ این است که چنانچه دعوایی در مورد اختلافات مذکور در این بند در مراجع قضایی و داوری بخش ۲ قسمت پانزدهم اقامه شود، مرجع رسیدگی‌کننده می‌تواند رأساً یا به تقاضای خواندهٔ دعوا اقدام به «رسیدگی مقدماتی» به دعوا کند. برداشت دیوان داوری منطقهٔ دریایی حفاظت‌شدهٔ جزایر چاگوس از بند ۱ ماده ۲۹۷ توسط نویسندگان حقوقی نیز تأیید شده است.[۴۵]

۲ـ۲. اختلافات مربوط به تحقیقات علمی دریایی

گفته شد که طبق ماده ۵۶ کنوانسیون حقوق دریاها، تحقیقات علمی دریایی در منطقهٔ انحصاری اقتصادی هر کشور ساحلی در صلاحیت همان کشور قرار دارد. تفصیل این صلاحیت در قسمت سیزدهم کنوانسیون مقرر شده است که به موضوع تحقیقات علمی دریایی اختصاص دارد.[۴۶] حال در جزء (الف) بند ۲ ماده ۲۹۷ آمده است:

«اختلافات مربوط به تفسیر یا اجرای کنوانسیون در خصوص تحقیقات علمی دریایی بر طبق بخش ۲ حل خواهد شد به‌جز اینکه کشور ساحلی مکلف نیست ارجاع اختلافات ناشی از موارد

43. *Ibid..*, paras. 309-15.

44. Preliminary proceedings

45. Allen, Stephen, "Article 297 of the United Nations Convention on the Law of the Sea and the Scope of Mandatory Jurisdiction", *Ocean Development & International Law*, 2017, vol. 48, nos. 3–4, pp. 313–330; Boyle, Alan E. "Dispute Settlement and the Law of the Sea Convention: Problems of Fragmentation and Jurisdiction". *International and Comparative Law Quarterly*, 1997, vol.46, p. 42; Klein, *op.cit.*, pp. 121 and 141-2.

برای دیدن نظر مخالف که بند ۱ ماده ۲۹۷ را مفید حصر می‌داند، ن.ک:

Karaman, Igor V., *Dispute Resolution in the Law of the Sea*, Martinus Nijhoff Publishers, 2012, p. 9; Oxman, Bernard "Courts and Tribunals: The ICJ, ITLOS and Arbitral Tribunals", in Donald Rothwell, et al. (eds.), *The Oxford Handbook of the Law of the Sea*, Oxford University Press, 2015, p. 404.

۴۶. برای توضیح بیشتر، ن.ک: طلایی؛ *همان*، صص ۲۰۰-۱۸۹؛

Tanaka, *op.cit.*, pp. 432-50.

www.SID.ir

Archive of SID

زیر را به آیین‌های[بخش ۲] بپذیرد:

(۱) اعمال حق یا تشخیص کشور ساحلی طبق ماده ۲۴۶ یا

(۲) تصمیم کشور ساحلی به تعلیق یا توقف طرح تحقیقاتی طبق ماده ۲۵۳».

چنان‌که ملاحظه می‌شود، طبق بند ۱ ماده ۲۹۷ اصل این است که اختلافات مربوط به قسمت سیزدهم کنوانسیون، مشمول آیین‌های اجباری بخش ۲ قسمت پانزدهم هستند. اما در دو مورد، این اختلافات از شمول آیین‌های مذکور خارج شده‌اند. نخست اینکه طبق مقررات ماده ۲۴۶ کنوانسیون، انجام تحقیقات علمی دریایی در منطقهٔ انحصاری اقتصادی یا فلات قارهٔ یک کشور ساحلی توسط سایر کشورها یا اتباع آنان یا سازمان‌های بین‌المللی منوط به رضایت و مجوز آن کشور ساحلی است.[۴۷] این در حالی است که طبق بند ۳ ماده ۲۴۶ کشور ساحلی مکلف است در «شرایط عادی» به اجرای طرح‌های تحقیق علمی دریایی توسط سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی در منطقهٔ انحصاری اقتصادی یا فلات قارهٔ خود رضایت دهد و طبق بند ۵ این ماده، تنها در موارد منصوص در این بند «می‌تواند بنا به تشخیص خود از اعلام رضایت خودداری کند». اما در صورتی که یک کشور ساحلی از اعطای مجوز برای یک طرح تحقیق علمی دریایی در منطقهٔ انحصاری اقتصادی یا فلات قاره خودداری کند، کشور یا سازمان بین‌المللی متقاضی نمی‌تواند در این خصوص طبق آیین‌های اجباری بخش ۲ قسمت پانزدهم علیه کشور ساحلی اقامهٔ دعوا کند. دوم اینکه طبق مقررات ماده ۲۵۳ کنوانسیون، کشور ساحلی که مجوز اجرای طرح تحقیقاتی در منطقهٔ انحصاری اقتصادی یا فلات قارهٔ خود را به کشور دیگر یا سازمان بین‌المللی داده، می‌تواند طبق شرایط مقرر در این ماده، دستور تعلیق یا توقف طرح تحقیقاتی را صادر کند. در این صورت نیز کشور یا سازمان بین‌المللی تحقیق‌کننده نمی‌تواند در خصوص تصمیم کشور ساحلی به تعلیق یا توقف طرح تحقیقاتی، طبق آیین‌های اجباری بخش ۲ قسمت پانزدهم علیه کشور ساحلی اقامهٔ دعوا کند.

بی‌گمان نتیجهٔ عملی جزء (الف) بند ۲ ماده ۲۹۷ کنوانسیون این است که کلیدی‌ترین اختلافات مربوط به تحقیقات علمی دریایی در منطقهٔ انحصاری اقتصادی و فلات قاره، از شمول آیین‌های اجباری بخش ۲ قسمت پانزدهم خارج شده‌اند. راهکار کنوانسیون برای تعدیل آثار این خروج، پیش‌بینی «سازش اجباری»[۴۸] در مورد اختلافات یادشده است. در این خصوص در جزء

۴۷. برای نمونه، ن.ک: آیین‌نامهٔ نحوهٔ انجام تحقیقات علمی در مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان، *مجموعه قوانین روزنامهٔ رسمی کشور*، سال ۱۳۷۷، صص ۸-۵، با اصلاحیهٔ ماده ۱۳ مورخ ۷۹/۶/۱۶، مجموعه قوانین روزنامهٔ رسمی کشور، سال ۱۳۷۹، ص ۹۶۴.

۴۸. در ضمیمهٔ پنجم کنوانسیون حقوق دریاها آیین ویژه‌ای در خصوص اعمال روش سازش برای حل اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای این کنوانسیون مقرر شده است. از نظر کنوانسیون، دو نوع آیین سازش وجود دارد: نخست، «سازش اختیاری»

www.SID.ir

Archive of SID

(ب) بند ۲ ماده ۲۹۷ چنین آمده است: « اختلاف ناشی از ادعای کشور تحقیق‌کننده مبنی بر آنکه کشور ساحلی، حقوق خود طبق مواد ۲۴۶ و ۲۵۳ را در خصوص یک طرح تحقیقاتی، طبق کنوانسیون اعمال نمی‌کند، بنا به درخواست هر طرف به آیین سازش موضوع بخش ۲ ضمیمهٔ پنجم ارجاع خواهد شد». البته طبق بند ۲ ماده ۷ و با لحاظ ماده ۱۴ ضمیمهٔ یادشده، «گزارش کمیسیون سازش، شامل استنتاج‌ها و توصیه‌ها، برای طرف‌های اختلاف الزام‌آور نیست».

۲ـ۳. اختلافات مربوط به شیلات

بنا بر صدر جزء (الف) بند ۳ ماده ۲۹۷ کنوانسیون چنین آمده است: «اختلافات مربوط به تفسیر یا اجرای مقررات این کنوانسیون در خصوص شیلات طبق بخش ۲ حل خواهد شد ...». بنابراین اصل این است که اختلافات مربوط به مقررات متعدد کنوانسیون در خصوص شیلات، مشمول آیین‌های اجباری بخش ۲ قسمت پانزدهم هستند. اما در ادامهٔ جزء یادشده آمده است:

«به‌جز اینکه کشور ساحلی مکلف نخواهد بود که ارجاع هر اختلاف مربوط به حقوق حاکمهٔ خود در قبال منابع زندهٔ منطقهٔ انحصاری اقتصادی یا اعمال این حقوق، شامل اختیار تعیین حجم صید مجاز، ظرفیت برداشت، تخصیص مازاد صید مجاز به سایر کشورها و تعیین شرایط و ضوابط در قوانین و مقررات آن کشور در خصوص حفاظت و مدیریت منابع زنده را به آیین‌های [بخش ۲] برای حل اختلاف بپذیرد».

چنان‌که گفته شد، هر کشور ساحلی به منظور حفاظت، مدیریت، کاوش و بهره‌برداری از منابع طبیعی زندهٔ منطقهٔ انحصاری اقتصادی خود از حقوق حاکمه برخوردار است. در این راستا طبق ماده ۶۱ کنوانسیون هر کشور ساحلی مکلف است حجم مجاز صید در منطقهٔ انحصاری اقتصادی خود را تعیین کند. همچنین طبق ماده ۶۲ کنوانسیون هر کشور ساحلی مکلف است ظرفیت برداشت خود از منابع زندهٔ منطقهٔ انحصاری خود را تعیین کند و چنانچه ظرفیت برداشت تمام حجم صید مجاز را نداشته باشد، از طریق توافق یا ترتیبات دیگر با سایر کشورها اجازهٔ دسترسی آنان به مازاد صید مجاز را بدهد. اما به دلالت جزء (الف) بند ۳ ماده ۲۹۷ سایر کشورها نمی‌توانند در خصوص اعمال حقوق حاکمهٔ کشور ساحلی در قبال منابع زندهٔ منطقهٔ انحصاری اقتصادی به‌ویژه تصمیمات و اقدامات موضوع مواد ۶۱ و ۶۲ کنوانسیون در مراجع قضایی و داوری بخش ۲ قسمت پانزدهم علیه کشور ساحلی اقامهٔ دعوا کنند. افزون بر این، مفهوم حقوق

(voluntary conciliation) که ناظر به فرضی است که طرف‌های اختلاف طبق ماده ۲۸۴ کنوانسیون در خصوص اعمال روش سازش برای حل اختلاف به توافق برسند. دوم، «سازش اجباری» (compulsory conciliation) که طبق مواد ۲۹۷ و ۲۹۸ در مورد اختلافات خارج یا مستثناشده از شمول بخش ۲ قسمت پانزدهم اجباری است. آیین سازش اختیاری در بخش ۱ و آیین سازش اجباری در بخش ۲ ضمیمهٔ پنجم کنوانسیون پیش‌بینی شده است.

www.SID.ir

Archive of SID

حاکمهٔ کشور ساحلی در منطقهٔ انحصاری اقتصادی شامل حقوق ادعایی سایر کشورها نسبت به منابع زندهٔ منطقهٔ انحصاری اقتصادی نیز می‌شود. به بیان دیگر چنان‌که یک کشور متعاهد، مدعی حق ماهی‌گیری در منطقهٔ انحصاری اقتصادی کشور متعاهد دیگری باشد و این ادعا منشأ اختلاف شود، مراجع قضایی و داوری بخش ۲ قسمت پانزدهم به لحاظ جزء (الف) بند ۳ ماده ۲۹۷ صلاحیت رسیدگی به چنین اختلافی را ندارند.[۴۹]

در عین حال چنانچه ادعا شود که یک کشور ساحلی به تعهدات خود از حیث حفاظت و مدیریت منابع زندهٔ منطقهٔ انحصاری اقتصادی، تعیین حجم صید مجاز، تعیین ظرفیت برداشت یا تخصیص مازاد صید مجاز به سایر کشورها عمل نکرده، طبق جزء (ب) بند ۳ ماده ۲۹۷، اختلاف در این خصوص بنا به درخواست هر طرف، قابل ارجاع به سازش اجباری موضوع بخش ۲ ضمیمهٔ پنجم کنوانسیون است. البته با لحاظ بند ۲ ماده ۷ و ماده ۱۴ ضمیمهٔ پنجم کنوانسیون، در این مورد نیز گزارش کمیسیون سازش لازم‌الاتباع نخواهد بود.

۳. استثنائات اختیاری در خصوص بخش ۲ قسمت پانزدهم

چنان‌که در مقدمه اشاره شد، به‌موجب ماده ۲۹۸ کنوانسیون حقوق دریاها، هر کشور عضو این کنوانسیون می‌تواند اختلافات مشخصی را نسبت به خود از شمول آیین‌های اجباری بخش ۲ قسمت پانزدهم مستثنا کند. مادهٔ یادشده که ذیل عنوان «استثنائات اختیاری در خصوص قابلیت اعمال بخش ۲»[۵۰] در بخش ۳ قسمت پانزدهم قرار گرفته، شامل شش بند است. این ماده برای تأمین نظر آن گروه از کشورهای حاضر در مذاکرات کنفرانس سوم حقوق دریاها وضع شده است که نمی‌خواستند منافع اساسی آن‌ها در دریاها موضوع رسیدگی مراجع قضاوتی بین‌المللی واقع شوند.[۵۱] در صدر بند ۱ ماده ۲۹۸ چنین آمده است: «بدون خدشه به تعهدات ناشی از بخش ۱، هر کشور [متعاهد] می‌تواند در هنگام امضا، تصویب یا الحاق به این کنوانسیون یا در هر زمان پس از آن کتباً اعلام کند که یک یا چند آیین پیش‌بینی‌شده در بخش ۲ را در مورد یک یا چند دسته از اختلافات زیر نمی‌پذیرد ...». این اختلافات قابل استثنا از شمول بخش ۲ قسمت پانزدهم در جزءهای سه‌گانه بند ۱ ماده ۲۹۸ تعیین شده‌اند. در سطور آتی، استثنائات اختیاری بر دامنهٔ شمول آیین‌های اجباری بخش ۲ قسمت پانزدهم بررسی خواهد شد.

49. *Arbitration between Barbados and the Republic of Trinidad and Tobago, op.cit.*, paras. 276 and 283.
50. Optional exceptions to applicability of section 2.
51. Klein, *op.cit.*, pp. 122-3.

www.SID.ir

Archive of SID

۳ـ۱. اختلافات مربوط به تحدید حدود دریایی و مالکیت تاریخی

بنا بر شق ۱ جزء (الف) بند ۱ ماده ۲۹۸ کنوانسیون، کشورهای متعاهد می‌توانند با صدور اعلامیه، «اختلافات مربوط به تفسیر یا اجرای مواد ۱۵، ۷۴ و ۸۳ در خصوص تعیین حدود مرزهای دریایی یا اختلافات مربوط به خلیج‌های تاریخی یا حقوق مالکیت تاریخی» را نسبت به خود از شمول آیین‌های اجباری بخش ۲ قسمت پانزدهم استثنا کنند. شرح این دسته از اختلافات قابل استثنا در ذیل می‌آید.

الف. اختلافات مربوط به تحدید حدود دریایی

چنانچه مناطق دریایی کشورهایی که دارای سواحل مقابل یا مجاور هستند با یکدیگر تداخل پیدا کنند، تحدید حدود این مناطق ضروری خواهد بود. در وهلهٔ نخست ممکن است تداخل بین دریای سرزمینی دو کشور مجاور یا مقابل یکدیگر واقع شود. در این خصوص در ماده ۱۵ کنوانسیون حقوق دریاها مقرر شده است که تحدید حدود دریای سرزمینی بر مبنای روش خط میانه (خط هم‌فاصله)»[۵۲] انجام پذیرد مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کنند. در عین حال در ذیل ماده مذکور مقرر شده است که روش خط میانه «در مواردی که به لحاظ مالکیت تاریخی یا اوضاع و احوال خاص دیگر، تحدید حدود دریای سرزمینی دو کشور مستلزم استفاده از روش دیگری باشد اعمال نمی‌شود». نکته اینجاست که ممکن است بین طرفین در مورد نحوهٔ ترسیم خط میانه یا لزوم اعمال روش دیگر به لحاظ «مالکیت تاریخی یا اوضاع و احوال خاص دیگر» اختلاف حاصل شود. طبعاً در این فرض، ارجاع اختلاف به آیین‌های اجباری بخش ۲ قسمت پانزدهم کنوانسیون منطقی و راهگشا خواهد بود. با این همه، شق ۱ جزء (الف) بند ۱ ماده ۲۹۸ کنوانسیون، این امکان را برای کشورهای متعاهد فراهم کرده تا اختلافات مربوط به تحدید حدود دریای سرزمینی را از شمول آیین‌های اجباری بخش ۲ قسمت پانزدهم مستثنا کنند.

افزون بر این ممکن است بین منطقهٔ انحصاری اقتصادی یا فلات قارهٔ دو کشور دارای سواحل مقابل یا مجاور تداخل واقع شود. مواد ۷۴ و ۸۳ کنوانسیون حقوق دریاها که عیناً مشابه یکدیگر هستند، به تحدید حدود این دو منطقه اختصاص دارند. در بند ۱ این دو ماده آمده است: «تحدید حدود منطقه انحصاری اقتصادی/فلات قاره بین کشورهایی که دارای سواحل مقابل یا مجاور یکدیگر هستند ... از طریق توافق بر اساس حقوق بین‌الملل، ...، انجام خواهد شد». اما بدیهی است که ممکن است در این خصوص بین طرفین توافقی حاصل نشود. ازاین‌رو در بند ۲ مواد ۷۴ و ۸۳ مقرر شده است: «چنانچه ظرف مدت معقول توافقی حاصل نشود، دولت‌های

52. Median (equidistance) line

www.SID.ir

Archive of SID

ذی‌ربط به آیین‌های مقرر در قسمت پانزدهم متوسل خواهند شد». با این وصف، شق ۱ جزء (الف) بند ۱ ماده ۲۹۸ این امکان را برای کشورهای متعاهد فراهم کرده است تا اختلافات مربوط به تحدید حدود منطقهٔ انحصاری اقتصادی و فلات قاره را از شمول آیین‌های اجباری بخش ۲ قسمت پانزدهم مستثنا کرده و عملاً بند ۲ مواد ۷۴ و ۸۳ کنوانسیون را بی‌اثر کنند.

چنان‌که قبلاً گفته شد، طبق ماده ۲۸۳ کنوانسیون، پیش‌شرط توسل به آیین‌های اجباری بخش ۲ قسمت پانزدهم، تبادل‌نظر طرف‌های اختلاف «دربارهٔ حل آن اختلاف از طریق مذاکره یا دیگر روش‌های مسالمت‌آمیز دیگر» است. اما بنا به نظری که دیوان داوری ضمیمهٔ هفتم در قضیهٔ داوری بین بربادوس و جمهوری ترینیداد و توباگو ارائه داده، این پیش‌شرط در مورد اختلافات مربوط به مواد ۷۴ و ۸۳ کنوانسیون منتفی است. از نظر دیوان داوری، بند ۱ مواد یادشده، کشورهای دارای سواحل مقابل و مجاور را مکلف به مذاکره دربارهٔ تحدید حدود منطقهٔ انحصاری اقتصادی و فلات قاره می‌کند و چنانچه این مذاکرات به توافق منجر نشوند، بند ۲ این مواد، توسل به آیین‌های اجباری را تجویز می‌کند. بنابراین اگر مذاکرات طرفین دربارهٔ تحدید حدود به نتیجه نرسد، نیازی به تبادل‌نظر جداگانه طبق ماده ۲۸۳ نیست زیرا پیش‌شرط ماده ۲۸۳ «در خصوص مواد ۷۴ و ۸۳ درون مذاکراتی که این دو ماده مقرر کرده‌اند جذب می‌شود».[۵۳] البته این تفسیر قابل انتقاد است زیرا تبادل نظر موضوع ماده ۲۸۳ ناظر به تعیین روش حل اختلاف است نه ماهیت اختلاف.

ب. اختلافات مربوط به مالکیت تاریخی

علاوه بر اختلافات مربوط به تحدید حدود دریایی، شق ۱ جزء (الف) بند ۱ ماده ۲۹۸ کنوانسیون، کشورهای متعاهد را مجاز می‌کند که «اختلافات مربوط به خلیج‌های تاریخی و حقوق مالکیت تاریخی» را نیز نسبت به خود از شمول آیین‌های اجباری بخش ۲ قسمت پانزدهم مستثنا کنند. منظور از «مالکیت تاریخی»،[۵۴] حاکمیت یک کشور بر بخشی از دریا به‌عنوان آب‌های داخلی یا دریای سرزمینی است که از سابقهٔ تاریخی حاصل می‌شود. آب‌های تحت حاکمیت تاریخی، «آب‌های تاریخی»[۵۵] نامیده می‌شوند.[۵۶] طبق قواعد عام حقوق دریاها مندرج در قسمت دوم کنوانسیون، هر کشور ساحلی بر فضای مشخصی از دریا به‌عنوان آب‌های داخلی و دریای

53. *Arbitration between Barbados and the Republic of Trinidad and Tobago, op.cit.*, para. 202.

54. Historic title

55. Historic waters

56. *The South China Sea Arbitration (The Philippines v. The People's Republic of China)*, Merits, Award of 12 July 2016, paras. 225-6, available at https://pcacases.com/web/sendAttach/2086.

www.SID.ir

Archive of SID

سرزمینی حاکمیت دارد.[۵۷] حال اگر کشوری به‌طور تاریخی بر بخشی از دریا که خارج از فضاهای مزبور قرار دارد به‌طور مستمر و مؤثر و مصون از اعتراض دیگر کشورها به‌عنوان آب‌های داخلی یا دریای سرزمینی خود اعمال حاکمیت کرده باشد، این بخش از دریا تحت «مالکیت تاریخی» این کشور قرار داشته و «آب‌های تاریخی» آن محسوب می‌شود.[۵۸] مصداق بارز آب‌های تاریخی، «خلیج‌های تاریخی»[۵۹] موضوع بند ۶ ماده ۱۰ کنوانسیون حقوق دریاها هستند. در واقع، قید «خلیج‌های تاریخی» در کنار «حقوق مالکیت تاریخی» در شق ۱ جزء (الف) بند ۱ ماده ۲۹۸ کنوانسیون از باب تأکید بوده و قابل حذف است زیرا «خلیج تاریخی» خلیجی است که تحت مالکیت تاریخی یک کشور ساحلی قرار دارد و بدین لحاظ جزو آب‌های داخلی آن کشور محسوب می‌شود.[۶۰]

اما نکتهٔ دقیقی که مورد تأکید دیوان داوری قضیهٔ دریای چین جنوبی قرار گرفته، تفکیک مفهوم «حق مالکیت تاریخی» از مفهوم کلی‌تر«حقوق تاریخی»[۶۱] است. در واقع، حق مالکیت تاریخی تنها یکی از حقوق تاریخی ممکن برای کشورها در دریا است. برای نمونه ممکن است کشوری به‌طور تاریخی از حق ماهی‌گیری در دریای سرزمینی یا منطقهٔ انحصاری اقتصادی یک کشور دیگر برخوردار باشد.[۶۲] شق ۱ جزء (الف) بند ۱ ماده ۲۹۸ کشورهای عضو کنوانسیون را مجاز می‌دارد که اختلافات مربوط به مالکیت تاریخی را از شمول آیین‌های اجباری بخش ۲ قسمت پانزدهم کنوانسیون مستثنا کنند اما در مورد دیگر حقوق تاریخی چنین تجویزی وجود ندارد.[۶۳] البته این رویکرد دیوان داوری قضیهٔ دریای چین جنوبی مورد انتقاد قرار گرفته است. از نظر منتقدان، «خلیج‌های تاریخی» و «حقوق مالکیت تاریخی» به‌ترتیب موضوع بند ۶ ماده ۱۰ و ماده ۱۵ کنوانسیون حقوق دریاها هستند و ازاین‌رو در شق ۱ جزء (لف) بند ۱ ماده ۲۹۸ کنوانسیون ذکر شده‌اند. اما غیر از این دو مورد در هیچ جای مقررات کنوانسیون حقوق دریاها ذکری از «حقوق تاریخی» نشده است و لذا با لحاظ ماده ۲۸۶ کنوانسیون که شرح آن گذشت، مراجع قضایی و داوری بخش ۲ قسمت پانزدهم فاقد صلاحیت موضوعی برای رسیدگی به «حقوق تاریخی» در مفهوم کلی هستند.[۶۴]

۵۷. برای توضیح بیشتر، ن.ک: طلایی؛ *همان*، صص ۸۸-۶۲؛

Tanaka, *op.cit.*, pp. 94-116.

58. *The South China Sea Arbitration*, Merits, *op.cit.*, paras. 215-24 ; cf. Klein, *op.cit.*, pp. 249-53.

59. Historic bays

60. *Ibid*.., para. 225.

61. Historic rights

62. *Ibid*., para. 225.

63. *Ibid*., para. 226.

64. Zou, Keyuan & Qiang Ye, "Interpretation and Application of Article 298 of the Law of the Sea Convention in Recent Annex VII Arbitrations: An Appraisal", *Ocean Development & International Law*, 2017, vol. 48, nos. 3–4, pp. 337-8.

www.SID.ir

Archive of SID

ج. ارجاع اجباری به سازش

اگرچه شق ۱ جزء (الف) بند ۱ ماده ۲۹۸ به کشورهای عضو کنوانسیون امکان داده است که اختلافات مربوط به تحدید حدود دریایی و مالکیت تاریخی را از شمول آیین‌های اجباری بخش ۲ قسمت پانزدهم استثنا کنند، در عین حال آنان را مکلف به پذیرش سازش اجباری در خصوص این اختلافات کرده است.[۶۵] به‌موجب ذیل شق یادشده، کشور متعاهدی که با صدور اعلامیه، اختلافات مذکور را استثنا می‌کند مکلف است «هنگام بروز چنین اختلافی پس از لازم‌الاجراشدن این کنوانسیون و هر گاه مذاکرات بین طرف‌ها پس از مدت معقولی به توافق منجر نشود، ارجاع مسئله به سازش طبق بخش ۲ ضمیمهٔ پنجم را بنا به درخواست هر طرف اختلاف بپذیرد». طبق شق ۲ جزء (الف) بند ۱ ماده ۲۹۸ پس از تنظیم گزارش کمیسیون سازش، «طرف‌ها برای حصول توافق بر مبنای آن گزارش مذاکره خواهند کرد. چنانچه این مذاکرات به توافق منجر نشود، طرف‌ها با رضایت متقابل، مسئله را به یکی از آیین‌های مقرر در بخش ۲ ارجاع خواهند کرد مگر آنکه به ترتیب دیگری توافق شده باشد». ظاهر شق ۲ مبهم و متناقض به نظر می‌رسد اما قید «رضایت متقابل» دلالت بر این دارد که در فرض عدم حصول توافق بر مبنای گزارش کمیسیون سازش، ارجاع اختلاف به آیین‌های اجباری بخش ۲ قسمت پانزدهم الزامی نیست.[۶۶] افزون بر این به‌موجب شق ۱ جزء (الف) بند ۱ ماده ۲۹۸ «هر اختلافی که لزوماً مستلزم بررسی هم‌زمان اختلاف حل‌نشده‌ای در خصوص حاکمیت یا سایر حقوق بر قلمرو خشکی قاره‌ای یا جزیره‌ای است، از ارجاع [به سازش] مستثنا است».

۳ـ۲. اختلافات مربوط به فعالیت‌های نظامی و انتظامی

بنابر جزء (ب) بند ۱ ماده ۲۹۸ کنوانسیون حقوق دریاها، کشورهای متعاهد می‌توانند با صدور اعلامیه، اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای کنوانسیون را که مربوط به فعالیت‌های نظامی و برخی فعالیت‌های انتظامی باشد، نسبت به خود از شمول آیین‌های اجباری بخش ۲ قسمت پانزدهم استثنا کنند.

---

۶۵. تنها موردی که تا کنون آیین سازش اجباری موضوع شق ۲ جزء (الف) بند ۱ ماده ۲۹۸ کنوانسیون حقوق دریاها به اجرا درآمده، قضیهٔ سازش بین تیمور شرقی و استرالیا در خصوص دریای تیمور است. کمیسیون سازش این قضیه در ۲۰۱۶ به درخواست تیمور شرقی و به منظور حل اختلاف این کشور با استرالیا در خصوص تحدید حدود مناطق دریایی دو کشور در دریای تیمور تشکیل و گزارش آن در ۲۰۱۸ صادر شد. برای توضیح بیشتر، ن.ک:

Hao Duy Phan et al. (eds.), *The Timor-Leste/Australia Conciliation: A Victory for UNCLOS and Peaceful Settlement of Disputes*, World Scientific Publishing, 2019.

66. Klein, *op.cit.*, pp. 260-1.

www.SID.ir

Archive of SID

الف. فعالیت‌های نظامی

طبق جزء (ب) بند ۱ ماده ۲۹۸ کنوانسیون، کشورهای متعاهد می‌توانند «اختلافات مربوط به فعالیت‌های نظامی، شامل فعالیت‌های نظامی کشتی‌ها یا هواپیماهای دولتی که به خدمات غیرتجاری می‌پردازند» را از شمول آیین‌های اجباری بخش ۲ قسمت پانزدهم مستثنا کنند. در وهلهٔ نخست باید در نظر داشت که استثنای فعالیت‌های نظامی ناظر به اختلافاتی است که موضوع آن‌ها یک فعالیت نظامی است. بنابراین اگر موضوع اختلاف، امری غیر از فعالیت نظامی باشد اما یکی از طرف‌های اختلاف برای پیشبرد موضع خود در مورد آن اختلاف یا اعمال فشار بر طرف یا طرف‌های دیگر از نیروی نظامی استفاده کند، این اختلاف مشمول استثنای جزء (ب) بند ۱ ماده ۲۹۸ نخواهد شد.[۶۷]

اما مسئلهٔ اصلی دربارهٔ استثنای فعالیت‌های نظامی، ابهامی است که دربارهٔ مفهوم «فعالیت‌های نظامی»[۶۸] وجود دارد. دیوان داوری ضمیمهٔ هفتم در قضیهٔ دریای چین جنوبی، یک «وضعیت نظامی که در آن نیروهای نظامی یک طرف و نیروهای نظامی و شبه‌نظامی طرف دیگر در برابر یکدیگر قرار گرفته‌اند» را مصداق فعالیت نظامی موضوع جزء (ب) بند ۱ ماده ۲۹۸ کنوانسیون دانسته است.[۶۹] اما نمی‌توان فعالیت نظامی را به بیان فوق محدود کرد زیرا فعالیت‌هایی همچون رزمایش و تمرین نظامی یا آزمایش جنگ‌افزار، قطعاً فعالیت نظامی محسوب می‌شوند بدون اینکه رویارویی نیروهای نظامی دو یا چند طرف با یکدیگر را در بر داشته باشند. از سوی دیگر بنا به نظر دیوان بین‌المللی حقوق دریاها در دستور موقت قضیهٔ توقیف ناوهای جنگی اوکراین، چنانچه یک ناو جنگی از حقوقی همچون عبور بی‌ضرر یا عبور ترانزیت استفاده کند که هم به ناوهای جنگی و هم کشتی‌های تجاری تعلق می‌گیرند، صرف اعمال حق را نمی‌توان فعالیت نظامی تلقی کرد.[۷۰]

بحث دیگر در این زمینه، معیار تفکیک «فعالیت‌های نظامی» از «فعالیت‌های انتظامی» است زیرا به شرحی که خواهد آمد، فعالیت‌های انتظامی تنها در موارد مشخصی قابل استثنا از شمول آیین‌های اجباری بخش ۲ قسمت پانزدهم هستند. دیوان بین‌المللی حقوق دریاها در دستور موقت قضیهٔ توقیف ناوهای جنگی اوکراین تأکید می‌کند که نمی‌توان بر مبنای اینکه در یک فعالیت از ناو جنگی استفاده شده یا شناور انتظامی، این دو نوع فعالیت را از هم تفکیک کرد زیرا امروزه هر

67. *The South China Sea Arbitration*, Merits, *op.cit.*, para. 1158.

68. Military activities

69. *Ibid.*, para. 1161.

70. *Case concerning the Detention of Three Ukrainian Naval Vessels (Ukraine v. Russian Federation)*, Provisional Measures, Order of 25 May 2019, para. 68, available at: https://www.itlos.org/fileadmin/itlos/documents/cases/case_no_26/C26_Order_25.05.pdf

www.SID.ir

Archive of SID

دو نوع کشتی، هم برای مأموریت‌های نظامی و هم برای مأموریت‌های انتظامی به کار می‌روند.[۷۱] می‌روند.[۷۱] به عقیدهٔ دیوان، تشخیص این دو نوع فعالیت باید بر مبنای «ارزیابی عینی از ماهیت فعالیت مورد نظر» باشد.[۷۲]

با این همه به نظر چنین می‌رسد که ابهام دربارهٔ مفهوم «فعالیت‌های نظامی» عملاً دست مراجع قضایی و داوری را برای تفسیر و تشخیص مصداق این مفهوم باز گذاشته است چندان که این مراجع می‌توانند به‌رغم استفادهٔ کشورهای عضو کنوانسیون از اختیار حاصل از جزء (ب) بند ۱ ماده ۲۹۸ در این خصوص، صلاحیت خود را نسبت به فعالیت‌های نظامی آنان اعمال کنند.

ب. فعالیت‌های انتظامی

به‌موجب جزء (ب) بند ۱ ماده ۲۹۸ کشورهای عضو کنوانسیون می‌توانند با صدور اعلامیه، «اختلافات مربوط به فعالیت‌های انتظامی در قبال اعمال حقوق حاکمه یا صلاحیت که خارج از صلاحیت دادگاه‌ها یا دیوان‌ها[ی موضوع بخش ۲] طبق بندهای ۲ یا ۳ ماده ۲۹۷ است» را نسبت به خود از شمول آیین‌های اجباری بخش ۲ قسمت پانزدهم مستثنا کنند. بنابراین استثنای فعالیت‌های انتظامی صرفاً به اختلافات ناشی از فعالیت‌های انتظامی کشور ساحلی در خصوص تحقیقات علمی دریایی در منطقهٔ انحصاری اقتصادی و فلات قاره و حقوق حاکمه در قبال منابع زندهٔ منطقهٔ انحصاری اقتصادی محدود می‌شود.[۷۳] تقیید استثنای فعالیت‌های انتظامی به تحقیقات علمی دریایی و شیلات، نکته‌ای کلیدی است چنان‌که در رأی صلاحیتی دیوان داوری، ضمیمهٔ هفتم در قضیهٔ کشتی آرکتیک سانرایز بیان شده، اگر یک کشور متعاهد در اعلامیهٔ موضوع ماده ۲۹۸ خود فعالیت‌های انتظامی را به‌طور مطلق یا در خصوص مواردی خارج از بندهای ۲ و۳ ماده ۲۹۷ استثنا کند، اعلامیهٔ آن کشور تنها در مورد فعالیت‌های انتظامی مربوط به تحقیقات علمی دریایی و شیلات موضوع بندهای ۲ و ۳ ماده ۲۹۷ معتبر شناخته خواهد شد.[۷۴]

اگرچه مفهوم «فعالیت‌های انتظامی» نیز در کنوانسیون تعریف نشده، به نظر می‌رسد که کلیهٔ اقدامات نیروهای ضابط قضایی کشور ساحلی از قبیل گارد ساحلی (دریابانی)، گمرک، شیلات و ... برای اجرای قوانین و مقررات مربوط به تحقیقات علمی دریایی و شیلات موضوع بندهای ۲ و ۳ ماده ۲۹۷ را در بگیرد. در این راستا موضوع شیلات در منطقهٔ انحصاری اقتصادی درخور توجه ویژه است. طبق بند ۱ ماده ۷۳ کنوانسیون حقوق دریاها، «کشور ساحلی می‌تواند برای اعمال

71. *Ibid*., para. 64.
72. *Ibid.*, para. 66.
73. *The Arctic Sunrise Arbitration (Netherland v Russia)*, Jurisdiction, Award of 26 November 2014, Reports of International Arbitral Awards, vol. XXXII, p. 187, paras. 74-5.
74. *Ibid.*, paras. 72-3.

www.SID.ir

Archive of SID

حقوق حاکمهٔ خود در قبال کاوش، بهره‌برداری، مدیریت و حفاظت منابع زندهٔ منطقهٔ انحصاری اقتصادی اقدامات لازم از قبیل ورود به عرشه، بازرسی، توقیف و تعقیب قضایی [شناورهای متخلف و خدمه آن‌ها] را جهت تضمین اجرای قوانین و مقررات خود ... به عمل آورد». به نظر می‌رسد که اعمال استثنای فعالیت‌های انتظامی عملاً اختلافات ناشی از توقیف شناورهای صیادی برای صید غیرمجاز را از شمول آیین‌های اجرایی بخش ۲ قسمت پانزدهم خارج می‌کند. درعین حال باید در نظر داشت که طبق بند ۲ مادهٔ یادشده، در صورت توقیف کشتی در اجرای بند ۱ آن ماده، کشور ساحلی موظف است در قبال «وثیقه یا تأمین مالی معقول» کشتی توقیف‌شده را آزاد کند و چنانچه به این تکلیف عمل نکند، کشور صاحب پرچم کشتی یا نمایندهٔ آن کشور می‌تواند طبق آیین مقرر در ماده ۲۹۲ کنوانسیون از دیوان بین‌المللی حقوق دریاها درخواست دستور آزادی فوری کشتی توقیف‌شده را در قبال وثیقه یا تأمین مالی بنماید.[۷۵] نکته اینجاست که بنا به نظر غالب، اعمال استثنای فعالیت‌های انتظامی توسط کشور توقیف‌کننده، مانع از اعمال آیین آزادی فوری موضوع ماده ۲۹۲ نسبت به آن کشور نیست،[۷۶] چندان که تا کنون نیز در هیچ‌کدام از پرونده‌های درخواست آزادی فوری که در دیوان بین‌المللی حقوق دریاها رسیدگی شده، به‌استثنای فعالیت‌های انتظامی ماده ۲۹۸ برای ایراد به صلاحیت دیوان استناد نشده است.

ج. اختلافات در دستور کار شورای امنیت سازمان ملل متحد

به‌موجب جزء (ج) بند ۱ ماده ۲۹۸ کنوانسیون، کشورهای متعاهد می‌توانند هر اختلافی را دربارهٔ تفسیر یا اجرای کنوانسیون حقوق دریاها که در عین حال در دستور کار شورای امنیت قرار گرفته نسبت به خود از شمول آیین‌های اجباری بخش ۲ قسمت پانزدهم مستثنا کنند؛ مشخصاً «اختلافاتی که شورای امنیت سازمان ملل متحد در قبال آن‌ها، وظایف محولهٔ خود را طبق منشور ملل متحد اعمال می‌کند مگر اینکه شورای امنیت تصمیم بگیرد که موضوع [اختلاف] را از دستور کار خود خارج کند» قابل استثنا هستند. اگرچه اعمال استثنای موضوع جزء (ج) بند ۱ ماده ۲۹۸ صلاحیت مراجع قضایی و داوری بخش ۲ قسمت پانزدهم کنوانسیون حقوق دریاها را محدود می‌کند، عدم اعمال استثنای مذکور به هیچ وجه صلاحیت شورای امنیت را محدود نمی‌کند، چه این شورا طبق مقررات فصول ششم و هفتم منشور ملل متحد می‌تواند هر اختلافی

۷۵. برای توضیح بیشتر دربارهٔ آیین «آزادی فوری» (prompt release) کشتی‌های توقیف‌شده در کنوانسیون حقوق دریاها، ن.ک:

Trevisanut, Seline "Twenty Years of Prompt Release of Vessels: Admissibility, Jurisdiction, and Recent Trends", Ocean Development & International Law, 2017, vol. 48, nos. 3-4, pp. 300-12; White, Michael "Prompt Release Cases in ITLOS" in Tafsir Malick Ndiaye and Rüdiger Wolfrum (eds.), Law of the Sea, Environmental Law and Settlement of Disputes, Martinus Nijhoff Publishers, 2007, pp. 1025-52.

76. Klein, *op.cit.*, pp. 309-10.

www.SID.ir

Archive of SID

را که تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی تشخیص دهد در دستور کار خود قرار داده و دربارهٔ آن تصمیم بگیرد. طبعاً اختلافات مربوط به تفسیر و اجرای کنوانسیون حقوق دریاها از این قاعده مستثنا نیستند ولو اینکه در مراجع قضایی و داوری بخش ۲ قسمت پانزدهم مورد رسیدگی باشند. افزون بر این با توجه به ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد، اجرای تصمیمات شورای امنیت، مقدم بر اجرای آرای مراجع قضایی و داوری بخش ۲ قسمت پانزدهم کنوانسیون حقوق دریاها هستند.[۷۷]

۳ـ۳. اعلامیهٔ موضوع ماده ۲۹۸

چنان‌که قبلاً ذکر شد، اعمال استثنائات اختیاری موضوع بند ۱ ماده ۲۹۸ نیازمند صدور اعلامیه از سوی کشور متعاهد در زمان، امضا، تصویب یا الحاق به کنوانسیون یا هر زمان پس از آن است. البته طبق بند ۲ ماده ۲۹۸ دولت صادرکنندهٔ اعلامیه می‌تواند هر زمان آن را با صدور اطلاعیه، مسترد یا با صدور اعلامیهٔ جدید اصلاح کند. طبق بند ۶ ماده مذکور، اعلامیه و اطلاعیهٔ استرداد آن باید نزد دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع شود که نسخه‌ای از آن را برای کشورهای عضو کنوانسیون ارسال می‌کند.[۷۸] نکتهٔ اساسی اینکه صدور اعلامیهٔ ماده ۲۹۸ اثر متقابل دارد چنان‌که بنا بر بند ۳ این ماده: «کشور متعاهدی که اعلامیه‌ای را طبق بند ۱ صادر کرده، حق ندارد اختلافی را که [در اعلامیه] مستثنا شده است، بدون رضایت یک کشور متعاهد دیگر علیه آن کشور متعاهد به آیین‌های پیش‌بینی‌شده در این کنوانسیون ارجاع کند».

مسئله‌ای که دربارهٔ اعلامیه‌های موضوع ماده ۲۹۸ مطرح می‌شود این است که اگر اعلامیه‌ای خارج از حدود بند ۱ ماده ۲۹۸ صادر شود، چه اثری بر آن مترتب خواهد شد؟ در این خصوص دو برداشت مطرح می‌شود. برداشت نخست این است که چنین اعلامیه‌ای در واقع اعمال شرط بر کنوانسیون است و لذا طبق ماده ۳۰۹ کنوانسیون، باطل و بلااثر تلقی شود. برداشت دوم این است که اعلامیه در حدود بند ۱ ماده ۲۹۸ معتبر تلقی شود اما اگر اختلافاتی فراتر از این حدود را مستثنا کرده است، از این حیث به آن ترتیب اثر داده نشود.[۷۹] بنا بر آنچه در رأی صلاحیتی دیوان داوری قضیهٔ کشتی آرکتیک سانرایز دربارهٔ استثنای فعالیت‌های انتظامی

۷۷. برای توضیح بیشتر، ن.ک:

Paulus, Andreas and Johan Ruben Leib in Bruno Simma et al. (eds.), *The Charter of the United Nations: A Commentary*, 3rd ed., Oxford University Press, 2012, vol. II, p. 2124.

۷۸. تا کنون از مجموع ۱۶۸ کشور عضو کنوانسیون حقوق دریاها، ۴۱ کشور نسبت به صدور اعلامیهٔ موضوع بند ۱ ماده ۲۹۸ اقدام کرده‌اند. در دو مورد آرژانتین و غنا با صدور اطلاعیه، اعلامیهٔ خود را مسترد کرده‌اند. لازم به ذکر است که ایران در اعلامیهٔ تفسیری منضم به امضای کنوانسیون حقوق دریاها از اعمال استثنائات اختیاری موضوع ماده ۲۹۸ خودداری کرده اما حق خود را برای اتخاذ موضع در این خصوص در زمان مقتضی محفوظ داشته است. برای ملاحظهٔ متن‌های فارسی و انگلیسی اعلامیهٔ تفسیری ایران، ن.ک: طلایی؛ *همان*، صص ۳۰۲–۲۰۹.

79. *The Arctic Sunrise Arbitration*, *op.cit.*, paras. 55-7.

www.SID.ir

Archive of SID

مطرح شده و پیش‌تر توضیح داده شد، به نظر می‌رسد که رویه‌قضایی به برداشت دوم گرویده است. البته این در صورتی است که اعلامیه، حدود و قیود اختلافات قابل استثنا در ماده ۲۹۸ را رعایت نکرده باشد. اما چنانچه اختلافی که اساساً موضوع ماده ۲۹۸ نیست، در اعلامیه‌ای مستثنا شده باشد، اعلامیه از این حیث نوعی اعمال تحفظ تلقی شده و طبق ماده ۳۰۹ کنوانسیون، باطل و بلااثر خواهد بود.

۴. آیین‌های اجباری حل اختلاف کنوانسیون حقوق دریاها و اختلافات سرزمینی

مسئلهٔ حساس دربارهٔ سازِکار حل اختلاف کنوانسیون حقوق دریاها این است که آیا اختلافات سرزمینی، به‌ویژه اختلافات مربوط به حاکمیت سرزمینی بر جزایر نیز می‌توانند به‌عنوان اختلاف دربارهٔ تفسیر و اجرای کنوانسیون حقوق دریاها، مشمول آیین‌های اجباری بخش ۲ قسمت پانزدهم این کنوانسیون واقع شوند؟ چنان‌که در مقدمه اشاره شد، این مسئله از نظر منافع ایران اهمیت بسزایی دارد زیرا یکی از دغدغه‌های ایران دربارهٔ سازِکار حل اختلاف کنوانسیون حقوق دریاها این است که در صورت تصویب کنوانسیون از سوی ایران و امارات متحدهٔ عربی،[۸۰] دولت امارات، اختلاف خود را با ایران دربارهٔ جزایر سه‌گانهٔ ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک به‌طور یکجانبه به آیین‌های اجباری حل اختلاف کنوانسیون ارجاع دهد.

۴ـ۱. خروج موضوعی اختلافات سرزمینی از شمول کنوانسیون حقوق دریاها

به شرحی که گذشت، بنا بر بند ۱ ماده ۲۸۸ کنوانسیون، صلاحیت موضوعی مراجع قضایی و داوری بخش ۲ قسمت پانزدهم، محدود و منحصر به اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای کنوانسیون حقوق دریاها است. از سوی دیگر، تعلق مناطق دریایی به کشورهای ساحلی، ناشی از حاکمیت سرزمینی آن‌ها بر خشکی، خواه به‌صورت ساحل قاره و خواه به‌صورت جزیره است. با وجود این، موضوع حاکمیت بر سرزمین از حیث خود در کنوانسیون حقوق دریاها مطرح نمی‌شود. مشخصاً در مورد جزایر، اگرچه بسیاری از مقررات کنوانسیون حقوق دریاها مربوط به جزایر هستند،[۸۱] هیچ‌کدام از این مقررات به تحصیل یا تشخیص حاکمیت سرزمینی دولت‌ها بر جزایر نمی‌پردازند.[۸۲] ازاین‌رو اختلافات سرزمینی ولو اختلافات مربوط به حاکمیت یا مالکیت بر جزایر، از

---

۸۰. امارات متحدهٔ عربی نیز مانند ایران، کنوانسیون حقوق دریاها را امضا کرده اما تا کنون از تصویب آن خودداری کرده است.

۸۱. برای توضیح بیشتر، ن.ک:

Murphy, Sean D., "International Law Relating to Islands", *Collected Courses of the Hague Academy of International Law*, vol. 386, 2017, pp. 9-266.

82. *Ibid.*, p. 234.

www.SID.ir

Archive of SID

شمول کنوانسیون حقوق دریاها خروج موضوعی دارند و لذا مراجع قضایی و داوری بخش ۲ قسمت پانزدهم نیز اساساً فاقد صلاحیت رسیدگی به این نوع اختلافات بین اعضای کنوانسیون هستند. خروج موضوعی اختلافات سرزمینی از شمول کنوانسیون حقوق دریاها و آیین‌های حل اختلاف آن تا کنون چندین بار مورد تأیید و تأکید رویه‌قضایی قرار گرفته است.[۸۳]

۴ـ۲. مسئلهٔ اختلافات مختلط

آنچه بحث شمول آیین‌های اجباری بر اختلافات سرزمینی را پیچیده کرده، مسئلهٔ به‌اصطلاح «اختلافات مختلط»[۸۴] است. منظور از اختلافات مختلط، اختلافات دربارهٔ تفسیر یا اجرای مقررات کنوانسیون حقوق دریاها است اما حل آن‌ها نیازمند حل یک اختلاف سرزمینی است. نمونهٔ بارز این نوع اختلافات، دعاوی تحدید حدود دریایی است که حل آن‌ها منوط به حل اختلاف سرزمینی اصحاب دعوا دربارهٔ یک یا چند جزیره یا مرز زمینی آن‌ها در خشکی است. مسئله اینجاست که مراجع قضایی و داوری بخش ۲ قسمت پانزدهم تا چه میزان صلاحیت رسیدگی به چنین اختلافاتی را دارند. در سال‌های اخیر، دادگاه‌های داوری ضمیمهٔ هفتم در سه قضیهٔ داوری منطقهٔ دریایی حفاظت‌شدهٔ جزایر چاگوس، دریای چین جنوبی و نیز حقوق کشور ساحلی در دریای سیاه، دریای آزوف و تنگهٔ کرچ در این خصوص اظهار عقیده کرده‌اند. وجه مشترک دعاوی یادشده این است که در هر سه مورد، خواهان دعوا کوشیده بود اختلاف سرزمینی خود با خوانده را به‌گونه‌ای صورت‌بندی کند که به‌صورت اختلاف دربارهٔ تفسیر یا اجرای کنوانسیون حقوق دریاها جلوه کرده و از این رهگذر، مشمول صلاحیت مراجع قضایی و داوری بخش ۲ قسمت پانزدهم شود.

در قضیهٔ منطقهٔ دریایی حفاظت‌شدهٔ دریای چاگوس، خواهان، یعنی جمهوری موریس، ازجمله از دیوان داوری خواسته بود که اعلام کند که ازآنجاکه خوانده، یعنی انگلستان از حیث مواد ۲، ۵۵، ۵۶ و ۷۶ کنوانسیون حقوق دریاها نسبت به جزایر چاگوس «کشور ساحلی» محسوب نمی‌شود، مجاز به اعلام منطقهٔ حفاظت‌شدهٔ دریایی پیرامون این جزایر نبوده است. این در حالی بود که از مدت‌ها قبل بین دو کشور دربارهٔ حاکمیت جزایر چاگوس اختلاف وجود داشته و دارد. اما بنا بر نظر اکثریت قضات دیوان داوری برای احراز صلاحیت مراجع قضایی و داوری بخش ۲ قسمت پانزدهم نسبت به اختلافات مختلط، مرجع‌رسیدگی‌کننده باید «مسئلهٔ واقعی دعوا را

83. *Dispute Concerning Coastal State Rights in the Black Sea, Sea of Azov, and Kerch Strait (Ukraine v. the Russian Federation)*, Preliminary Objections of the Russian Federation, Award of 21 February 2020, paras.156, available at https://pcacases.com/web/sendAttach/9272; *Chagos Marine Protected Area*, *op.cit.*, paras. 203-5 and 215-8; *The South China Sea Arbitration*, Jurisdiction and Admissibility, *op.cit.*, paras. 8, 152-3; *The South China Sea Arbitration*, Merits, *op.cit.*, para.5.

84. Mixed disputes

www.SID.ir

Archive of SID

استخراج و هدف ادعا [ی خواهان] را تشخیص دهد»[۸۵] و باید تعیین شود که «وزن نسبی اختلاف»[۸۶] کجا قرار دارد.[۸۷] چنانچه موضوع دعوا واقعاً دربارهٔ اختلاف دربارهٔ تفسیر یا اجرای کنوانسیون حقوق دریاها باشد، مراجع قضایی و داوری بخش ۲ قسمت پانزدهم، صلاحیت «تشخیص هر امر موضوعی یا هر امر حکمی فرعی را که برای حل اختلاف ضروری باشد، دارند»[۸۸] اما اگر «مسئلهٔ واقعی دعوا» و «هدف ادعای [خواهان]» اختلاف دربارهٔ تفسیر یا اجرای کنوانسیون حقوق دریاها نباشد، «ارتباط جنبی بین اختلاف و مقررات کنوانسیون حقوق دریاها، آن را مشمول بند ۱ ماده ۲۸۸ کنوانسیون و صلاحیت مراجع قضایی و داوری بخش ۲ قسمت پانزدهم نمی‌سازد».[۸۹] بنابراین اگر اختلاف طرفین اساساً اختلاف سرزمینی باشد که نتیجهٔ فرعی آن، اختلاف دربارهٔ تفسیر یا اجرای کنوانسیون باشد، مراجع قضایی و داوری بخش ۲ قسمت پانزدهم، صلاحیت رسیدگی به این نوع اختلاف دربارهٔ تفسیر و اجرای کنوانسیون را ندارند. اما اگر اختلاف اصلی طرفین دربارهٔ تفسیر و اجرای کنوانسیون باشد و یک اختلاف سرزمینی فرع بر این اختلاف اصلی باشد، مشمول بند ۱ ماده ۲۸۸ است. به تعبیر دیوان داوری ممکن است «یک اختلاف جزئی دربارهٔ حاکمیت سرزمینی، فرع بر اختلاف دربارهٔ تفسیر و اجرای کنوانسیون [حقوق دریاها] باشد». در این صورت مراجع قضایی و یادشده، صلاحیت رسیدگی به اختلاف سرزمینی را برای حل اختلاف اصلی دارند.[۹۰] با این استدلالات، دیوان داوری به این نتیجه رسید که فاقد صلاحیت رسیدگی به خواسته‌های موریس دربارهٔ تعیین کشور ساحلی جزایر چاگوس است.[۹۱]

رأی صلاحیتی دیوان داوری ضمیمهٔ هفتم در قضیهٔ دریای چین جنوبی، سابقهٔ دیگری است که در خصوص اختلافات مختلط درخور توجه است. بین طرفین دعوای فوق یعنی چین و فیلیپین در مورد حاکمیت بر تعدادی از جزایر معروف به «اسپرتلی»[۹۲] در دریای چین جنوبی اختلافی دیرینه وجود دارد. اما خواستهٔ اصلی خواهان یعنی فیلیپین از دیوان داوری فوق این بود که بدون اظهار نظر دربارهٔ اینکه کدام کشور بر جزایر مورد اختلاف حاکمیت دارد، دربارهٔ ماهیت حقوقی آن‌ها بیان عقیده کند بدین نحو که احراز و اعلام کند که برخی از جزایر اسپرتلی ـ که مالکیت آن‌ها محل اختلاف طرفین است ـ در واقع جزیره طبق تعریف بند ۱ ماده ۱۲۱ کنوانسیون حقوق دریاها نیستند و لذا حسب مورد، دریای سرزمینی و منطقهٔ انحصاری اقتصادی و فلات قاره ندارند.[۹۳] در مقابل،

85. *Chagos Marine Protected Area, op.cit.*, para. 208.
86. Relative weight of the dispute
87. *Ibid*., para. 211.
88. *Ibid*., para. 220.
89. *Ibid*.
90. *Ibid*., para. 221.
91. *Ibid*.
92. Spratly Islands
93. *The South China Sea Arbitration*, Jurisdiction and Admissibility, *op.cit.*, paras. 99-101.

www.SID.ir

Archive of SID

چین بدین استدلال که موضوع دعوا در حقیقت، اختلاف طرفین دربارهٔ حاکمیت بر جزایر مورد نظر است، دیوان داوری را فاقد صلاحیت رسیدگی به دعوا می‌دانست. در مقام رسیدگی به این ایراد چین، دیوان داوری برای احراز اینکه موضوع دعوا ناظر به اختلاف سرزمینی است یا خیر، دو معیار را مطرح کرد: «(الف) صدور رأی دربارهٔ دعوای فیلیپین مستلزم اتخاذ تصمیم صریح یا ضمنی دربارهٔ حاکمیت [بر عوارض دریایی موردنظر] است؛ و دوم اینکه هدف واقعی دعوای فیلیپین، پیشبرد موضع این کشور نسبت به اختلاف طرفین در خصوص حاکمیت [بر عوارض دریایی موردنظر] است».[۹۴] بر مبنای این دو معیار، دیوان داوری به این نتیجه رسید که با لحاظ نحوهٔ بیان خواسته‌های فیلیپین، صلاحیت رسیدگی به دعوا را دارد.[۹۵] البته این انتقاد در مورد تصمیم دیوان داوری طرح شده که نحوهٔ بیان خواسته از سوی خواهان را ملاک تشخیص ماهیت اختلاف قرار داده و مسئلهٔ واقعی دعوا و هدف ادعای خواهان را مدنظر قرار نداده است.[۹۶]

در قضیهٔ حقوق کشور ساحلی در دریای سیاه، دریای آزوف و تنگهٔ کرچ، عصارهٔ خواسته‌های بیست‌گانهٔ خواهان دعوا یعنی اوکراین این است که از زمان تصرف شبه‌جزیرهٔ کریمه توسط روسیه در ۲۰۱۴، این کشور حقوق مختلف اوکراین در مناطق دریایی شبه‌جزیرهٔ کریمه را که طبق کنوانسیون حقوق دریاها به اوکراین به‌عنوان «کشور ساحلی» تعلق می‌گیرد، نقض کرده است. اما دیوان داوری در رأی صلاحیتی خود با استناد به معیار «وزن نسبی اختلاف»، قضیهٔ منطقهٔ دریایی حفاظت‌شدهٔ جزایر چاگوس چنین نظر داده است که مسئلهٔ حاکمیت بر شبه‌جزیرهٔ کریمه، یک مسئلهٔ جزئیِ فرع بر اختلاف اصلی نیست بلکه اساس اختلاف طرفین است زیرا بدون تعیین اینکه کدام طرف دعوا بر کریمه حاکمیت دارد، «کشور ساحلی» مشخص نخواهد بود تا بتوان دربارهٔ نقض حقوق آن قضاوت کرد؛ لذا دیوان داوری صلاحیت رسیدگی به خواسته‌های اوکراین به کیفیت مطروحه را ندارد.[۹۷]

با توجه به رأی صلاحیتی قضیهٔ حقوق کشور ساحلی در دریای سیاه، دریای آزوف و تنگهٔ

94. *Ibid*., para. 153.

95. *Ibid*.

۹۶. برای توضیح بیشتر، ن.ک:

Klein, Natalie "The Vicissitudes of Dispute Settlement under the Law of the Sea Convention", *The International Journal of Marine and Coastal Law*, 2017, vol. 32, pp. 342-9; Whomersley, Chris "The South China Sea: The Award of the Tribunal in the Case Brought by Philippines against China - A Critique." *Chinese Journal of International Law*, 2016, vol. 15, no. 2, pp. 239-264.

برای مقایسهٔ دو رویکرد دیوان‌های داوری منطقهٔ دریایی حفاظت‌شدهٔ چاگوس و دریای چین جنوبی، ن.ک:

Volterra, Robert G. et al. The Characterisation of the Dispute Concerning Coastal State Rights in the Black Sea, Sea of Azov, and Kerch Strait", *The International Journal of Marine and Coastal, Law*, 2018, vol. 33, pp. 614-22.

97. *Dispute Concerning Coastal State Rights in the Black Sea, Sea of Azov, and Kerch Strait, op.cit.*, paras. 191-6.

www.SID.ir

Archive of SID

کرچ به نظر می‌رسد که رویکرد دیوان داوری قضیهٔ منطقهٔ دریایی حفاظت‌شدهٔ جزایر چاگوس به مسئلهٔ اختلافات مختلط در رویه‌قضایی پذیرفته شده است. اگرچه هر دو دیوان داوری از رسیدگی به اختلافات مختلط خودداری کردند، راه را نیز برای رسیدگی به اختلافات سرزمینی، آن‌گاه که فرع بر اختلاف دربارهٔ تفسیر یا اجرای کنوانسیون باشد، باز گذاشته‌اند. ظاهراً این رویکرد، مواردی را مدنظر دارد که حل دعوای تحدید حدود دریایی منوط به حل یک اختلاف سرزمینی است. اما در تحلیل نهایی، معیار «وزن نسبی اختلاف» که برای تشخیص اختلاف فرعی از اختلاف اصلی مطرح شده، خود جنبهٔ ذهنی داشته و اساساً تابع تشخیص مرجع رسیدگی‌کننده است.[۹۸]

نتیجه

پیش‌بینی آیین‌های اجباری حل اختلاف در قسمت پانزدهم کنوانسیون حقوق دریاها سازِکار مؤثری را برای حل اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای این کنوانسیون فراهم آورده است. با وجود این، بررسی مقررات بخش ۳ قسمت پانزدهم، مشخصاً مواد ۲۹۷ و ۲۹۸ نشان می‌دهد که بسیاری از اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای کنوانسیون از شمول آیین‌های اجباری خارج شده یا قابل استثنا هستند. اگرچه این رویکرد از کارایی سازِکار حل اختلاف کنوانسیون می‌کاهد، از نگاه کشورهایی مانند ایران که مایل نیستند منافع حیاتی آن‌ها موضوع رسیدگی مراجع قضاوتی بین‌المللی قرار گیرد، مطلوب ارزیابی می‌شود.

به دلالت بند ۱ ماده ۲۹۷ کنوانسیون حقوق دریاها، اختلافات مربوط به آزادی‌های سه‌گانهٔ کشورهای دیگر در منطقهٔ انحصاری اقتصادی، مشمول آیین‌های اجباری حل اختلاف کنوانسیون هستند. اگرچه در خصوص افادهٔ حصر بند ۱ ماده ۲۹۷ بین نویسندگان حقوقی اختلاف وجود دارد، از نظر رویه‌قضایی این بند مفید حصر نیست؛ لذا اصل بر شمول آیین‌های اجباری بر اختلافات مربوط به منطقهٔ انحصاری اقتصادی است. با این وصف، به حکم بندهای ۲ و ۳ ماده ۲۹۷ کنوانسیون، اختلافات مربوط به اعطای مجوز، توقف و تعلیق تحقیقات علمی دریایی در منطقهٔ انحصاری اقتصادی و نیز اختلافات مربوط به اعمال حقوق حاکمهٔ کشور ساحلی نسبت به منابع زندهٔ این منطقه از شمول آیین‌های اجباری حل اختلاف خارج شده‌اند. با لحاظ اینکه تحقیقات علمی دریایی و بهره‌برداری از منابع زنده، دو کارکرد اصلی منطقهٔ انحصاری اقتصادی هستند باید پذیرفت که بندهای ۲ و ۳ ماده ۲۹۷ تا حد زیادی سازِکار حل اختلاف کنوانسیون را در مورد اختلافات مربوط به منطقهٔ انحصاری اقتصادی ناکارآمد کرده است.

۹۸. برای توضیح بیشتر، ن.ک:

Harrison, James, "Defining Disputes and Characterizing Claims: Subject-Matter Jurisdiction in Law of the Sea Convention Litigation", *Ocean Development & International Law*, 2017, vol. 48, nos. 3–4, pp. 269–83.

www.SID.ir

Archive of SID

گذشته از اختلافات موضوع ماده ۲۹۷، ماده ۲۹۸ کنوانسیون حقوق دریاها این امکان را برای کشورهای متعاهد فراهم می‌کند که با صدور اعلامیه در زمان امضا، تصویب یا الحاق به کنوانسیون، انواع مشخصی از اختلافات را نسبت به خود از شمول آیین‌های اجباری استثنا کنند. در وهلهٔ نخست طبق جزء (الف) بند ۱ مادهٔ یادشده، کشورهای متعاهد می‌توانند اختلافات مربوط به تحدید حدود دریای سرزمینی، منطقهٔ انحصاری اقتصادی و فلات قاره و نیز اختلافات مربوط به مالکیت تاریخی بر دریاها را از شمول آیین‌های اجباری مستثنا کنند. با توجه به شمار فراوان کشورهایی که در اعلامیه‌های ماده ۲۹۸ خود از استثنای تحدید حدود دریایی استفاده کرده‌اند، به نظر می‌رسد که این استثنا تا حد زیادی از کارایی سازِکار حل اختلاف کنوانسیون حقوق دریاها در این زمینه کاسته است. با این وصف، تفسیر مضیق دیوان داوری قضیهٔ دریای چین جنوبی از جزء (الف) بند ۱ ماده ۲۹۸ دلالت بر این دارد که دعاوی مربوط به حقوق تاریخی غیر از مالکیت، مشمول آیین‌های اجباری حل اختلاف کنوانسیون هستند.

افزون بر اختلافات مربوط به تحدید حدود دریایی، طبق جزء (ب) بند ۱ ماده ۲۹۸، اختلافات مربوط به فعالیت‌های نظامی و انتظامی در دریاها نیز قابل استثنا از آیین‌های اجباری هستند. طبعاً استثنای فعالیت‌های نظامی به سود کشورهایی است که مایل نیستند فعالیت‌های نیروهای نظامی آن‌ها موضوع رسیدگی مراجع قضاوتی بین‌المللی قرار گیرند. اما مسئلهٔ اساسی در مورد استثنای فعالیت‌های نظامی، ابهامی است که دربارهٔ مفهوم فعالیت‌های نظامی وجود دارد و رویه‌قضایی نیز توفیق چندانی در رفع این ابهام نداشته است. از سوی دیگر استثنای فعالیت‌های انتظامی محدود به عملیات انتظامی در خصوص شیلات و تحقیقات علمی دریایی در منطقهٔ انحصاری اقتصادی است و دیگر فعالیت‌های انتظامی در منطقهٔ انحصاری اقتصادی را شامل نمی‌شود. نکتهٔ اساسی اینکه آنچه از تصمیمات دیوان بین‌المللی حقوق دریاها و محاکم داوری ضمیمهٔ هفتم استنباط می‌شود این است که رویه‌قضایی به سوی تفسیر محدود این دو استثنا گرایش دارد.

مسئلهٔ دیگری که در مورد دامنهٔ شمول آیین‌های اجباری حل اختلاف کنوانسیون حقوق دریاها مطرح می‌شود، شمول این آیین‌ها بر اختلافات سرزمینی است. رویه‌قضایی به‌وضوح و بارها تأکید کرده است که اختلافات سرزمینی از شمول کنوانسیون حقوق دریاها و سازِکار حل اختلاف آن خروج موضوعی دارد. بنابراین در فرض تصویب کنوانسیون حقوق دریاها توسط ایران و امارات متحدهٔ عربی، امکان طرح دعوای امارات علیه ایران در مورد ادعای حاکمیت این کشور بر جزایر سه‌گانهٔ ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک منتفی است. با این حال امکان طرح دعاوی که خواستهٔ آن‌ها به‌صورت اختلاف مختلط صورت‌بندی شده، همواره وجود دارد. با لحاظ رویهٔ محاکم داوری ضمیمهٔ هفتم در مورد اختلافات مختلط، به نظر می‌رسد که مراجع قضایی و داوری قسمت پانزدهم علی‌القاعده از رسیدگی به دعاوی که هدف آن‌ها پیشبرد ادعای حاکمیت

www.SID.ir

Archive of SID

سرزمینی باشد خودداری خواهند کرد. اما نباید فراموش کرد که رویهٔ محاکم مذکور با تفسیر موسع ماده ۲۸۸ کنوانسیون، راه را برای رسیدگی به «اختلاف جزئی دربارهٔ حاکمیت سرزمینی که فرع بر اختلاف دربارهٔ تفسیر و اجرای کنوانسیون [حقوق دریاها] باشد» باز گذاشته است و البته تشخیص «وزن نسبی اختلاف» در این خصوص، امری ذهنی و تابع تشخیص مرجع رسیدگی‌کننده است. از سوی دیگر تجربهٔ قضیهٔ دریای چین جنوبی نشان داده است که نحوهٔ بیان و صورت‌بندی خواسته از سوی خواهان، نقشی اساسی در نگاه مراجع قضایی و داوری به اختلافات مختلط دارد. با لحاظ مطالب فوق، برخورد مراجع یادشده با مسئلهٔ اختلافات مختلط در دعاوی آینده با اطمینان کامل قابل پیش‌بینی نیست.

در مجموع، آنچه از بررسی آرای قضایی و داوری دربارهٔ دامنهٔ شمول آیین‌های اجباری کنوانسیون حقوق دریاها به استنباط می‌شود این است که مراجع قضایی و داوری بخش ۲ قسمت پانزدهم کنوانسیون به سوی توسعهٔ صلاحیت خود گام برداشته‌اند. از یک سو این مراجع به تفسیر موسع ماده ۲۸۸ کنوانسیون برای توسعهٔ صلاحیت موضوعی مراجع خود گرایش دارند. از سوی دیگر، رویکرد این مراجع، تفسیر محدود پیش‌شرط‌های موضوع مواد ۲۸۱ تا ۲۸۳، محدودیت‌های موضوع ماده ۲۹۷ و به‌ویژه استثناهای اختیاری موضوع ماده ۲۹۸ است.

www.SID.ir

Archive of SID

منابع:

الف. فارسی

- سون، لویی بی و دیگران؛ *حقوق بین‌الملل دریاها*، ترجمه: محمد حبیبی مجنده، جنگل، ۱۳۹۵.
- طلایی، فرهاد؛ *حقوق بین‌الملل دریاها*، جنگل، ۱۳۹۶.
- میرعباسی، سیدباقر و سیدحسین سادات میدانی؛ *دادرسی‌های بین‌المللی: دیوان بین‌المللی دادگستری در تئوری و عمل*، جنگل، ۱۳۸۵.

ب. انگلیسی

- Books

- Duy Phan, Hao et al. (eds.), The Timor-Leste/Australia Conciliation: A Victory for UNCLOS and Peaceful Settlement of Disputes, World Scientific Publishing, 2019.
- Karaman, Igor V., Dispute Resolution in the Law of the Sea, Martinus Nijhoff Publishers, 2012.
- Klein, Natalie, Dispute Settlement in the UN Convention on the Law of the Sea, Cambridge University Press, 2004.
- Simma, Bruno et al. (eds.), The Charter of the United Nations: A Commentary, 3rd ed., Oxford University Press, 2012.
- Tanaka, Yoshifumi, The International Law of the Sea, 3rd ed., Cambridge University Press, 2019.

- Articles

- Allen, Stephen, "Article 297 of the United Nations Convention on the Law of the Sea and the Scope of Mandatory Jurisdiction", Ocean Development & International Law, vol. 48, nos. 3–4, 2017.
- Boyle, Alan E., "Dispute Settlement and the Law of the Sea Convention: Problems of Fragmentation and Jurisdiction", International and Comparative Law Quarterly, vol. 46, 1997.
- Harrison, James, "Defining Disputes and Characterizing Claims: Subject-Matter Jurisdiction in Law of the Sea Convention Litigation", Ocean Development & International Law, 2017, vol. 48, nos. 3–4, pp. 269–83.
- Klein, Natalie, "The Vicissitudes of Dispute Settlement under the Law of the Sea Convention", The International Journal of Marine and Coastal Law, vol. 32, 2017.
- Murphy, Sean D., "International Law Relating to Islands", Collected courses of The Hague Academy of International Law, vol. 386, 2017.

www.SID.ir

Archive of SID

- Oxman, Bernard, "Courts and Tribunals: The ICJ, ITLOS and Arbitral Tribunals," in Donald Rothwell, et al. (eds.), The Oxford Handbook of the Law of the Sea, Oxford University Press, 2015.
- Trevisanut, Seline, "Twenty Years of Prompt Release of Vessels: Admissibility, Jurisdiction, and Recent Trends", Ocean Development & International Law, vol. 48, nos. 3-4, 2017.
- Volterra, Robert G., et al., "The Characterisation of the Dispute Concerning Coastal State Rights in the Black Sea, Sea of Azov, and Kerch Strait", The International Journal of Marine and Coastal Law, vol. 33, 2018.
- Whomersley, Chris, "The South China Sea: The Award of the Tribunal in the Case Brought by Philippines against China - A Critique" Chinese Journal of International Law, vol. 15, no. 2, 2016.
- White, Michael, "Prompt Release Cases in ITLOS", in Tafsir Malick Ndiaye and Rüdiger Wolfrum (eds.), Law of the Sea, Environmental Law and Settlement of Disputes, Martinus Nijhoff Publishers, 2007.
- Zou, Keyuan & Qiang Ye, "Interpretation and Application of Article 298 of the Law of the Sea Convention in Recent Annex VII Arbitrations: An Appraisal", Ocean Development & International Law, vol. 48, nos. 3–4, 2017.

- Cases

- Arbitration between Barbados and the Republic of Trinidad and Tobago (Barbados v. Trinidad and Tobago), Award of 11 April 2006, Reports of International Arbitral Awards, vol. XXVII, pp.147-251.
- The Arctic Sunrise Arbitration (Netherland v Russia), Jurisdiction, Award of 26 November 2014, Reports of International Arbitral Awards, vol. XXXII, pp. 187-204.
- Chagos Marine Protected Area (Mauritius v United Kingdom), Award of 18 March 2015, Reports of International Arbitral Awards, vol. XXXI, pp. 359-606.
- The Detention of Three Ukrainian Naval Vessels (Ukraine v. Russian Federation), Provisional Measures, Order of 25 May 2019, available at https://www.itlos.org/fileadmin/itlos/documents/cases/case_no_26/C26_Order_25.05.pdf
- Dispute Concerning Coastal State Rights in the Black Sea, Sea of Azov, and Kerch Strait (Ukraine v. the Russian Federation), Preliminary Objections of the Russian Federation, Award of 21 February 2020, available at https://pcacases.com/web/sendAttach/9272
- The "Enrica Lexie" Incident (Italy V. India), Award of 21 May 2020, available at: https://pcacases.com/web/sendAttach/16500
- Maritime Delimitation in the Indian Ocean (Somalia v. Kenya),

www.SID.ir

Archive of SID

Preliminary Objections, Judgment of 2 February 2017, I.C.J. Reports 2017, pp. 4-54.

- The MOX Plant Case (Ireland v. United Kingdom), Provisional Measures, Order of 3 December 2001, ITLOS Reports 2001, p. 95- 111.
- M/V "Norstar" (Panama v. Italy), Preliminary Objections, Judgment of 4 November 2016, ITLOS Reports 2016, p. 44-113.
- M/V "Louisa" (Saint Vincent and the Grenadines v. Kingdom of Spain), Judgment of 28 May 2013, ITLOS Reports 2013, pp. 4-48.
- Southern Bluefin Tuna (New Zealand v. Japan; Australia v. Japan), Jurisdiction and Admissibility, Award of 4 August 2000, Reports of International Arbitral Awards, vol. XXIII, pp. 1-57.
- The South China Sea Arbitration (The Philippines v. The People's Republic of China), Jurisdiction and Admissibility, Award of 29 October 2015, paras. 150-1, available at: https://pcacases.com/web/sendAttach/2579
- The South China Sea Arbitration (The Philippines v. The People's Republic of China), Merits, Award of 12 July 2016, available at https://pcacases.com/web/sendAttach/2086

www.SID.ir